

مطالعات راهبردی ۱۵

حقوق شهروندی در فرایند گزینش

پژوهشگر: باقر انصاری

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



مطالعات راهبردی (۱۵)

حقوق شهروندی در فرایند گزینش

پژوهشگر: باقر انصاری

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۳۹۷

سرشناسه : انصاری، باقر، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور : حقوق شهروندی در فرایند گزینش، باقر انصاری
عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc.
؛ تهیه‌کننده دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی.
مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۷۶ ص: ؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست : مطالعات راهبردی؛ ۱۵.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۱۵-۲۹-۵
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : حقوق مدنی -- ایران
موضوع : Civil rights -- Iran
موضوع : حقوق مدنی
موضوع : Civil rights
شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۷ ح۸الف/۵۰۰ KMH
رده‌بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۴۳۶۷۹

عنوان مطالعه: حقوق شهروندی در فرایند گزینش

واحد تهیه‌کننده: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

پژوهشگر: دکتر باقر انصاری (دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

دبیر مجموعه: دکتر نظام بهرامی کمیل

ناظر: علی هاشمی

ویراستار: علی محمدی

شماره مطالعه: پانزدهم

ناشر: مؤسسه پویه مهر اشراق

امور فنی و هنری: زهرا هوشمند

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۱۵-۲۹-۵

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول: مشروعیت هدف و طریق تحصیل اطمینان.....	۱۳
فصل دوم: رعایت حریم خصوصی.....	۱۹
۱. حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی.....	۲۳
۲. ملاحظات مرتبط با حریم خصوصی در فرایند گزینش.....	۳۱
فصل سوم: رعایت حرمت افراد.....	۳۷
فصل چهارم: اصل برائت.....	۴۵
فصل پنجم: اصل صحت.....	۴۹
فصل ششم: حق برخورداری از حاکمیت قانون.....	۵۶
۱. ممنوعیت افراط و تفریط و سلیقه‌گرایی.....	۵۸
۲. عدم خروج از صلاحیت‌های قانونی.....	۶۰
۳. ملاک قراردادان فرد متقاضی استخدام و نه اطرافیان او.....	۶۱
۴. مبنابودن نظر اکثریت در تصمیمات جمعی.....	۶۳
نتیجه‌گیری.....	۶۴
منابع.....	۶۶
پیوست (گزیده آرای دیوان عدالت اداری درباره گزینش استخدامی).....	۶۸

پیشگفتار

داشتن رویکرد راهبردی به مسائل یکی از ضروریات مدیریت کلان نهادها و سازمان‌هاست. این رویکرد با مشخص کردن ابعاد مختلف موضوع‌ها و بررسی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت‌های موجود تلاش می‌کند با ترسیم اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت، بهترین مسیر را برای رسیدن به این اهداف ترسیم نماید؛ به‌گونه‌ای که حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب با کمترین هزینه و بیشترین بهره‌وری انجام پذیرد.

مطالعات راهبردی نوشتاری است که به پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی کوتاه‌مدت اشاره دارد. در این متن‌ها پژوهش‌گر ضمن طرح موضوع، ابعاد و زوایای مربوط به آن را نشان داده، رهیافت‌های موجود را بیان و درنهایت به جمع‌بندی و درصورت لزوم به ارایه می‌پردازد. مطالعات راهبردی از آن جهت اهمیت دارد که در کنار طرح مسائل نظری و کمک به توسعه دانش نظری و کاربردی، به حل معضلات و دشواری‌های موجود در عرصه مدیریتی انجامد. به‌سخن دیگر؛ تلاش شده‌است این مطالعات به‌نحوی انجام شود که فقط با رویکرد مطالعه‌ای به آن نگرسته نشود بلکه کاربردی و اثربخش بودن آن در حوزه تصمیم‌گیری نمایان باشد.

باید اشاره داشت که مخاطبان این مطالعات را مدیران، مسئولان

و کارشناسان حوزه فرهنگ به‌ویژه در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌دهند. هدف از انجام این مطالعات، تعیین خطوط کلی بینش و تجربه موجود درباره موضوعها و مسائل حوزه فرهنگ است؛ به‌نحوی که جایگاه و نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را درباره موضوعهای مطرح‌شده به‌روشنی بیان نماید و از رهگذر چنین نگاهی، واحدهای زیرمجموعه وزارت‌خانه بتوانند با بهره‌گیری از این گزارش‌ها؛ طرح‌ها و برنامه‌های خود را دقیق‌تر و منسجم‌تر عملیاتی کنند.

در این گزارش دکتر ابراهیم انصاری، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به بررسی موضوع حقوق شهروندی در روند گزینش و استخدام کارکنان دولت می‌پردازد. از آن‌جا که کارکنان دولت بخش بزرگی از مستخدمین کشور را تشکیل می‌دهند، رعایت حقوق شهروندی آنان می‌تواند در حاکم‌کردن این حقوق نقش برجسته‌ای داشته باشد.

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

مقدمه

یکی از ویژگی‌های دولت‌های قانون‌مدار آن است که در آن‌ها، تصدی پست‌ها و مشاغل عمومی از حقوق شهروندان است و نه از امتیازات و انحصارات افراد یا طبقات خاص. بر این اساس، هر شهروندی حق بر اشتغال در مشاغل عمومی و تصدی پست‌های عمومی را دارد.

با توجه به این‌که برخلاف بخش خصوصی که اشخاص درصدد تأمین منافع شخصی خود هستند و آثار عمل کرد خوب یا بدشان عمدتاً متوجه خود آن‌ها می‌شود، در بخش عمومی، مقامات و کارمندان مکلف به تأمین منافع عمومی‌اند و آثار و تبعات تصدی مشاغل عمومی عمدتاً متوجه عموم جامعه می‌شود.

در نظام‌های سیاسی معاصر جهان، اعتماد عمومی به حکومت یکی از ارزش‌های مهم است. اعتماد رابطه‌ای است که خودبه‌خود وجود ندارد یا نباید مفروض گرفته شود، بلکه باید فعالانه ساخته شده و حفظ گردد. اعتماد مردم به این‌که دولت‌مردان، امور آن‌ها را به‌نحو مطلوب اداره می‌کنند، زمینه را برای پیش‌برد برنامه‌های مختلف در جامعه فراهم می‌کند. در روزگار حاضر، پاک‌دستی مقامات و مسئولان حکومتی از شرایط اساسی اعتماد به آن‌هاست و حکومت، امانت تلقی می‌شود و صاحبان امانت یعنی نهادهای عمومی و کارگزاران آن‌ها باید نشان دهند که از اختیارات و منابع و امکاناتی که به‌عنوان امانت در اختیار آنها قرار گرفته است برای منافع شخصی خود استفاده نمی‌کنند و امانت‌داری می‌کنند.

در حال حاضر، در عموم کشورهای جهان، مردم از مقامات و کارمندان انتظار

دارند که استانداردهای بالایی از صداقت و امانت‌داری را داشته باشند، زیرا آن‌ها قدرت عمومی را به نمایندگی از مردم کشور به کار می‌گیرند، درآمدهای عمومی را برای امور مختلف کشور صرف می‌کنند و به‌طور کلی، قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری بر امور و شئون مختلف جامعه و سرنوشت مردم دارند. از این‌رو، برای انجام این وظایف خطیر، لازم است که نظارت‌های عمومی بیشتری را از حیث امانت‌داری بپذیرند.

بر این اساس، از یک‌سو به دلیل محدود بودن تعداد مشاغل عمومی و از سوی دیگر به جهت لزوم انتخاب شایسته‌ترین متقاضیان برای تصدی آن مشاغل، ضروری است که بهترین متقاضیان در یک فرایند رقابتی انتخاب شوند تا شایسته‌سالاری و کارآمدی در نظام اداری کشور حاکم شود. فرایندی که این انتخاب طی آن صورت می‌گیرد گزینش نام دارد. دولت ملزم است برای تأمین منافع عمومی، حداکثر دقت در استخدام مستخدمان خود را به کار برد. هرچه سمت‌های عمومی حساس‌تر باشند میزان دقت در فرایند گزینش نیز باید بیشتر شود. به همین جهت، نحوه گزینش ممکن است برای مشاغل مختلف، متفاوت باشد. برای مشاغل حساس، فرایند سخت‌گیرانه و برای سایر مشاغل، فرایند ساده‌تری در نظر گرفته شود.^۱

فرایند گزینش، در ارتباط تنگاتنگ با حقوق شهروندی قرار دارد.^۲ از یک‌سو، با

۱. در نظام حقوقی ایران مشاغل حساس که تصدی آن‌ها به شرایط خاصی نظیر (نهایت امانت‌داری) نیاز دارد تابع قوانین استخدامی خاص هستند، نظیر استخدام در

وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه یا استخدام برای قضاوت.

۲. منشور حقوق شهروندی که در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ از سوی رئیس محترم جمهور منتشر شد، در ذیل عنوان «اشتغال و کار شایسته» به موضوع گزینش نیز توجه کرده و ماده‌ای را به آن اختصاص داده است. طبق ماده ۸۲ منشور، به کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص، شایستگی و توانمندی‌های متناسب با شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقص حریم خصوصی در فرایند گزینش ممنوع است.

توجه به توضیح بالا، برای تأمین منافع عمومی و رعایت حقوق شهروندان ضروری است و می‌تواند دولت و ادارهٔ سالم، امین و کارآمد را در دسترس آن‌ها قرار دهد و از سوی دیگر، می‌تواند بستری برای نقض حقوق شهروندان قرار گیرد. گزینش مستلزم تحقیق، بررسی و جمع‌آوری اطلاعات از متقاضیان استخدام و در نتیجه اعلام نظر دربارهٔ صلاحیت یا عدم صلاحیت یک شهروند برای تصدی یک شغل عمومی است. بر همین اساس، از بدو تا ختم این فرایند با حقوقی نظیر حق بر حریم خصوصی، حق بر حرمت، حق برخورداری از فرض براءت و اصل صحت، مرتبط است. برای مثال، همواره این پرسش مطرح است که آیا می‌توان برای جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ متقاضیان مشاغل عمومی به حریم خصوصی آن‌ها تعرض کرد؟ آیا قلمرو حریم خصوصی متقاضی کار به صرف تقاضای کار محدود می‌شود؟ آیا وسیله و روش تحصیل علم و اطلاعات نسبت به افراد باید همانند هدف آن، مشروع باشد؟ اگر با روش خلاف قانون اطلاعاتی دربارهٔ یک شخص به‌دست بیاید آیا می‌تواند مبنای تصمیم قرار گیرد؟

در نظام حقوقی ایران، قانون عام در زمینهٔ گزینش، «قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش» مصوب شهریور ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی است که در سال ۱۳۷۵ به‌موجب «قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی» به سایر مشاغل نیز تسری یافته است. برخی از مشاغل نظیر قضاوت، عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها یا استخدام در وزارت اطلاعات یا نیروهای مسلح نیز تابع قوانین استخدامی خاص است.

مادهٔ ۱۸ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب شهریور ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی مقرر کرده است که آیین‌نامهٔ اجرایی قانون مزبور توسط هیئت عالی گزینش و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه شده و به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس

شورای اسلامی می‌رسد. در اجرای این ماده، آیین‌نامه مذکور در مرداد ۱۳۷۷ به تصویب جلسه مشترک کمیسیون‌های یادشده مجلس رسیده و بدون ملاحظه شورای نگهبان و اظهار نظر درباره آن طی نامه شماره ۲۳۶۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی با امضای رئیس مجلس شورای اسلامی برای رئیس جمهور فرستاده شد و رئیس جمهور نیز طی نامه شماره ۴۳۵۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ دستور اجرای آن را صادر کرد.

در نظام حقوقی ایران، هر مصوبه مجلس باید از نظر عدم مغایرت با قانون اساسی و شرع مقدس در شورای نگهبان بررسی شود و هر مصوبه هیئت دولت نظیر آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین، از نظر خلاف قانون نبودن در هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین که زیر نظر رئیس مجلس شورای اسلامی فعالیت می‌کند، بررسی می‌شود و علاوه بر این، درباره مصوبات دولت، هر شخصی که آن‌ها را خلاف قانون بداند می‌تواند با شکایت به دیوان عدالت اداری، ابطال آن‌ها را بخواهد و دادرسان نیز در مقام تمییز حق می‌توانند از عمل به آیین‌نامه‌های خلاف قانون امتناع کنند.

با وجود این، آیین‌نامه‌ای که اکنون مبنای گزینش در کشور است، هر چند مصوب مجلس است، ولی از نظر عدم مغایرت با قانون اساسی و عدم مغایرت با شرع مورد بررسی شورای نگهبان واقع نشده است. همچنین، باین که مصوبه مذکور ماهیتاً آیین‌نامه اجرایی است و نه قانون، برخلاف سایر آیین‌نامه‌های اجرایی، در هیئت تطبیق مصوبات بررسی نشده و دیوان عدالت اداری نیز شکایت‌های مربوط به خلاف قانون اساسی یا خلاف شرع بودن آن را نپذیرفته^۱ است.

۱. کلاسه پرونده: ۸۷/۳۹۰، شماره دادنامه: ۴۱۴/۸۷.

... قرار هیئت عمومی در خصوص شکایت آقای محمدرضا سخنور به طرفیت کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس به‌خواسته ابطال ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش کشور نظر به این که ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش کشور از مصوبات مجلس شورای اسلامی است و به موجب

با توجه به این که اهمیت رعایت حقوق شهروندی در کشور ما روزبه‌روز بیشتر می‌شود و همهٔ مسئولان بر ضرورت رعایت حق‌الناس تأکید دارند، این پرسش به میان می‌آید که چگونه باید در فرایند گزینش، حقوق شهروندی را محترم شمرد؟ آیا قوانین و مقررات و رویه‌های جاری گزینش، با ملاحظهٔ رعایت حقوق شهروندان، لازم است مورد بازنگری قرار گیرند؟

هدف این پژوهش آن است که به پرسش مذکور پاسخ دهد و چالش‌های حقوق شهروندی در فرایند گزینش در نظام حقوقی ایران را در پرتو موازین قانونی، شرعی و قضایی تبیین کند و راهکارهایی برای اصلاح وضع نارسایی‌ها، پیش روی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران قرار دهد، هرچند تحقق این مهم، به دلیل نبود قانون شفاف و جامع دربارهٔ گزینش و نیز وجود ابهامات زیاد دربارهٔ برخی از مصادیق مهم حقوق شهروندی نظیر حق بر حریم خصوصی، بسیار دشوار است. برای انجام این تحقیق و پاسخ به پرسش مطرح، با استقرا در قوانین و مقررات مرتبط، آرای متعدد دیوان عدالت اداری در زمینهٔ گزینش، موازین شرعی ناظر مقررات مادهٔ ۴۲ از قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال تمام یا قسمتی از مصوبات دولتی در حدود صلاحیت و اختیارات هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است نه ابطال قوانین و سایر مصوبات مجلس شورای اسلامی (قوهٔ مقننه). از این رو موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در زمینهٔ اصلاح مصوبهٔ مورد اعتراض وجود ندارد، لذا به استناد مادهٔ ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قرار رد درخواست صادر و اعلام می‌گردد قرار صادره قطعی است.

کلاسۀ پرونده: ۸۷/۸۳۲، شمارهٔ دادنامه: ۸۲۳/۸۷.

... قرار هیئت عمومی در خصوص شکایت آقای بیژن حسینی به طرفیت هیئت عالی گزینش به‌خواستهٔ ابطال مادهٔ ۳۴ آیین‌نامهٔ اجرایی قانون گزینش کشور مصوب ۷۷/۵/۲۵، نظر به این که آیین‌نامهٔ مذکور به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی رسیده و رسیدگی به آن خارج از حدود صلاحیت و اختیارات اداری می‌باشد، بنابراین موجبی برای رسیدگی به خواستهٔ شاکی وجود ندارد و به استناد مادهٔ ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قرار رد درخواست صادر و اعلام می‌گردد.

بر رعایت حق الناس از جمله حق افراد به حرمت و حریم خصوصی، فرمان هشت ماده‌ای امام و رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه رعایت حقوق شهروندی، مورد مراجعه، تحلیل و تبیین قرار گرفته‌اند.

نتایج این تحقیق، برای هیئت عالی گزینش، همه واحدهای گزینش در سراسر کشور و مراجع سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری قابل استفاده خواهد بود.^۱ این نتایج در شش گفتار دسته‌بندی شده‌اند که به ترتیب زیر توضیح داده می‌شوند:

۱. طبق ماده ۲ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان عبارت است از:
 ۱. اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
 ۲. التزام عملی به احکام اسلام؛
 ۳. اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛
 ۴. عدم اشتها به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق؛
 ۵. عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آن‌ها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود مگر آن که توبه ایشان محرز شود؛
 ۶. عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر؛
 ۷. عدم اعتیاد به مواد مخدر.
- بدیهی است در نبود قوانین و مقرراتی که چگونگی احراز شرایط مذکور را به‌طور شفاف و دقیق مشخص کرده باشد، رعایت موازین شرعی و حقوق شهروندی می‌تواند به ارتقای کیفیت و کارآمدی واحدهای گزینش کمک کند.

فصل اول

مشروعیت هدف و طریق تحصیل اطمینان

مشروعیت هدف و طریق تحصیل اطمینان

در نظام حقوقی و اداری ایران مبنا و شالوده اصلی نظام گزینش براساس فرمان هشت ماده‌ای امام(ره) پایه‌گذاری شده است. در نتیجه همواره باید برای فهم، تفسیر و اجرای قوانین و مقررات مربوط به گزینش، به این فرمان مراجعه شود. در ابتدای «قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی» مصوب ۱۳۷۵ آمده است که «به‌منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام(ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور» چنین قانونی تصویب می‌شود.

بررسی تحلیلی این فرمان نشان می‌دهد که امام(ره) هم اهداف گزینش را تا حدود زیادی روشن کرده‌اند و هم طریق رسیدن به این اهداف را؛ سیاست کلی برای هر دو را نیز مشخص کرده‌اند و آن این که هر دو باید مشروع و قانونی باشند. امام(ره) در مقام بیان اهداف گزینش، «عمل به عدل اسلامی»^۱ و «استفاده از کارمندان مفید و مؤثر»^۲ را به‌عنوان اهداف ایجابی گزینش و دفع و تصفیة اشخاص

۱. عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به‌طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد.

۲. رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بی‌طرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها

«عضو گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی»^۱ و «اشخاص فاسد و مفسد» از نظام اداری کشور را به‌عنوان اهداف سلبی گزینش مورد تأکید قرار داده‌اند. بنابراین، امام(ره) ضوابط کلی را که باید در قوانین و مقررات گزینش مبنای عمل قرار گیرد، مشخص کرده‌اند، هرچند در مقام عمل، اهداف مذکور در قوانین و مقررات انعکاس پیدا نکرده است. تصریح به اهداف گزینش در ابتدای قوانین مذکور می‌توانست در تفسیر مفاد مبهم آن و جهت‌گیری‌های مراجع گزینش بسیار مؤثر واقع شود.

علاوه بر اهداف، امام(ره) طریق برخورد با افراد را نیز فقط در چارچوب موازین شرعی مجاز دانسته است و به دو محدودیت اساسی در این زمینه تصریح کرده است: این‌که «حقوق مردم ضایع نشود» و دوم این‌که «از حدود شرعی تعدی نشود». امام(ره) تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی را جایز ندانسته‌اند.

خوش‌بختانه، قانون گزینش تصریح کرده است که طریق تحصیل اطمینان در فرایند تصمیم‌گیری درباره صلاحیت متقاضی استخدام باید «طبق موازین شرعی» باشد. ماده ۱۵ قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش می‌گوید:

نقل می‌شود، صورت گیرد تا درحالی‌که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند.
۱. در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بزرگ و نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چراکه تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست.

«صدور رأی در گزینش افراد با شرایط عمومی یا انتخاب اصلح تابع نظر اکثریت اعضا بوده و بر مبنای اقرار یا بینه به شرط عدم تعارض یا شیاع مفید اطمینان یا قرائن و امارات موجب اطمینان که حداقل با انجام تحقیق (غیر از اقرار) از منابع موثق و طبق موازین شرعی احراز می‌گردد».

دیوان عدالت اداری نیز در چندین رأی خود با استناد به لزوم شرعی بودن طریق تحصیل اطلاعات، نظر مقنن را تأمین و حقوق شهروندان را تضمین کرده است. برای مثال: «... نظر به این که عمده دلیل رد صلاحیت عمومی شاکی، استناد به محتویات یک حلقه سی. دی. که توسط همسر شاکی در منزل ضبط و ارائه شده است می‌باشد، که صرف نظر از محتویات آن، نظر به این که تهیه و ضبط صدا و فیلم شاکی در منزل با توجه به وجود اختلاف خانوادگی ناشی از غرض ورزی می‌تواند باشد و به دلیل وجود احتمال توطئه استناد به محتویات سی. دی. تهیه شده، حجیت قانونی جهت ایجاد اتقان قضایی ندارد و از طرفی دلیل مؤثر دیگری در رد صلاحیت عمومی شاکی ارائه نشده؛ بنابراین با توجه به مراتب فوق، حکم به ورود شکایت دائر بر نقض تصمیم هیئت مرکزی گزینش دانشجو در خصوص شاکی صادر و اعلام می‌گردد و رسیدگی مجدد به هیئت مرکزی گزینش واگذار می‌شود».^۲

در رأی دیگری، شعبه دیوان این چنین استدلال کرده است که: «... نظر به این که گزینش محترم مفاد و مندرجات ماده ۱۵ قانون گزینش کشور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲۸ را در صدور رأی رعایت نکرده و علی‌رغم این که صلاحیت شاکی از سوی بسیاری از منابع تحقیق ... و تعداد کثیری از همکاران وی مورد تأیید قرار گرفته ... که همگی حاکی از صلاحیت گزینش وی می‌باشد نه عدم صلاحیت نام‌برده، ولی گزینش بدون توجه به موارد مذکور، صرفاً به استناد قول بعضی از افراد که قطعاً نمی‌تواند موجب اطمینان و شیاع مفید اطمینان وفق موازین

۲. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۰۶۸۸، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۴/۲۹.

شرعی گردد، مبادرت به صدور رأی عدم صلاحیت گزینش شاکی نموده است؛ بناً علی‌هذا و با عنایت به مراتب فوق، دیوان شکایت شاکی را وارد تشخیص و ... حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رأی معترض‌عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که گزینش محترم با رعایت موازین شرعی، قانونی و قوانین و مقررات مربوطه ... مبادرت به صدور رأی شایسته نماید»^۱.

همچنین، در رأی دیگری تصریح شده است که: «... نظر به این که مطابق ماده ۱۵ قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴ صدور رأی در گزینش افراد می‌بایست بر مبنای اقرار یا بی‌بینه یا شیاع مفید اطمینان احراز گردد و نتایج حاصله از اظهارات منابع تحقیق و مصاحبه‌گر مشمول ماده مذکور نبوده و اطمینان‌آور نیستند، ... شکایت وارد تشخیص و ... حکم بر نقض رأی معترض‌عنه جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد»^۲.

همچنین، دیوان عدالت در رأی دیگری صدور رأی همراه با تردید را نهی کرده است: «...نظر بر این که نتایج حاصله از بررسی‌های مقدماتی اطمینان‌آور نبوده و بر این موضوع اعضای محترم هسته گزینش در نظریات خود ... مبنی بر این که تحقیقات لازم انجام پذیرد، تصریح کرده و در نهایت بدون انجام تحقیقات با وجود تردید مبادرت به صدور رأی نموده‌اند، مفاد ماده ۱۵ قانون گزینش مراعات نگردیده است، شکایت از این حیث وارد تشخیص و ... حکم بر نقض رأی معترض‌عنه جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد»^۳.

با توجه به لزوم مشروع بودن طرق تحصیل اطمینان نسبت به فرد مورد گزینش، می‌توان گفت که اجبار و سوق دادن افراد به دروغ‌گویی، غیبت، ریاکاری و تملق، تعرض به حریم خصوصی افراد، دام‌گسترده برای جمع‌آوری اطلاعات و هتک حرمت و بردن آبروی افراد در فرایند گزینش، توجیه‌پذیر نیست.

۱. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۶۰۵، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰.

۲. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۷۶۵، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۴.

۳. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۹۸۸، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۵.

فصل دوم

رعایت حریم خصوصی

رعایت حریم خصوصی

گزینش مستلزم جمع‌آوری اطلاعات دربارهٔ متقاضیان استخدام است که از جمله می‌تواند سبب دسترسی به اطلاعات اعضای خانوادهٔ متقاضی یا بستگان و دوستان وی نیز بشود. این امر می‌تواند با حق افراد بر حریم خصوصی در تعارض قرار بگیرد. حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، راضی نیست دیگران به آن قلمرو تعرض کنند. یکی از ابعاد این قلمرو، حریم اطلاعاتی است (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۱-۳۹).

حریم اطلاعاتی به هر فردی امکان می‌دهد تا جمع‌آوری و افشای اطلاعات شخصی خود از سوی دیگران را منع کند. به‌موجب این حق، بیان مطالب واقعی دربارهٔ یک فرد که به اذیت و ناراحتی روحی و روانی وی منجر می‌شود و او برای اجتناب از این نتیجه، تلاش کرده است تا آن مطالب را از دیگران کتمان کند ممنوع است. برای مثال، افشای بیماری یک فرد یا وضعیت زندگی خانوادگی او یا محل سکونت و سایر مسائل زندگی او که واقعیت هم دارند می‌تواند به آزار و ناراحتی آن فرد منجر شود.

بدین‌سان حریم خصوصی اطلاعاتی از آسایش روحی و روانی افراد حمایت می‌کند و درصدد است تا از ایجاد احساس و برداشت کاذب یا ناخوشایند در

دیگران درباره هویت یک فرد پیش‌گیری کند. این حق، دسترسی، انتشار و استفاده بدون اجازه از عناصر هویتی افراد نظیر نام و نام خانوادگی، صوت، تصویر، عقاید و سایر اوصاف فرد را منع می‌کند، صرف‌نظر از این‌که این دسترسی، انتشار یا استفاده عرفاً اهانت‌آمیز باشد یا نباشد (انصاری، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳).

به همین جهت، در اکثر کشورهای جهان قاعده این است که قبل از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به هویت فردی و اعتبار و شهرت متقاضیان استخدامی باید رضایت آن‌ها نسبت به انجام تحقیقات اخذ شود و از اطلاعات جمع‌آوری شده نیز صرفاً برای مقاصد استخدامی استفاده شود.^۱ در واقع، داده‌های مربوط به هویت و اعتبار و شهرت افراد در زمره داده‌های شخصی محسوب می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، از یک‌سو، احترام به حریم و امور خصوصی دیگران از توصیه‌های اکید اسلام است و حریم خصوصی پیش از آن‌که در غرب و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود با تأکید بسیار در منابع اسلامی مورد توجه بوده، در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره بزرگان دین نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. از سوی دیگر، اصل ۲۵ قانون اساسی هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است^۲ و قوانین عادی مختلفی نیز به برخی جنبه‌های حریم خصوصی به‌ویژه حریم خصوصی مکانی توجه کرده‌اند.

متأسفانه در حقوق موضوعه ایران حمایت روشن و جامعی از حریم اطلاعاتی

۱. طبق ماده ۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش کشور، آرا و نظرات هیئت و هسته تنها برای احراز صلاحیت شغلی داوطلبان در محدوده قانون گزینش منوط اعتبار است.

۲. اصل ۲۵: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

شهروندان وجود ندارد. به همین جهت، برای روشن ساختن نسبت رعایت قوانین و مقررات گزینش با احکام تعرض به حریم خصوصی باید به منابع اسلامی مراجعه کرد. البته امام(ره) و نیز دیوان عدالت اداری نیز ملاحظات و نکاتی در این خصوص داشته‌اند که باید مورد توجه قرار گیرد.

بدین منظور در این گفتار ابتدا حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی و سپس ملاحظات مرتبط با حریم خصوصی در فرایند گزینش مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی

با مراجعه به این منابع می‌توان مباحث و اصطلاحاتی را که درباره حریم خصوصی و بیان علل و حکمت‌های حمایت از آن به کار رفته‌اند و با حریم اطلاعاتی مرتبط هستند تحت عناوین زیر دسته‌بندی کرد (انصاری، ۱۳۸۷: ۶۴-۸۲):

۱. ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش؛
 ۲. ممنوعیت استراق سمع؛
 ۳. ممنوعیت سوءظن؛
 ۴. ممنوعیت نیمه و غیبت؛
 ۵. ممنوعیت اشاعه فحشا و هتك ستر؛
 ۶. ممنوعیت خیانت در امانت.
- اینک درباره هریک از عناوین مذکور و ارتباط آن‌ها با حریم خصوصی توضیح می‌دهیم.

۱-۱. ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش

مهم‌ترین آیات و روایاتی که به ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران تصریح کرده‌اند به شرح زیر هستند:

آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ... لا تجسسوا».

از پیامبر اکرم(ص) روایات متعددی درباره ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. از جمله این که (ابوبصیر، بی تا: ۲-۳):

۱. «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تحسسوا ولا تناجشوا ولا تحاسدوا ولا تدابروا ولا تباغضوا وكونوا عباد الله إخواناً»: از گمان بپرهیزید؛ چراکه گمان، سخن را در گرداب دروغ افکند؛ از کنجکاو و پاییدن یکدیگر بپرهیزید؛ از حال کسی تفتیش مکنید؛ از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید؛ بدخواه یکدیگر نباشید؛ کینه یکدیگر را به دل مگیرید؛ به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید.

۲. «يا معشر من آمن بلسانه و لم يدخل الايمان قلبه، لاتغتابوا المسلمين و لا تتبعوا عوراتهم فإنه من اتبع عوراتهم يتبع الله عورته و من يتبع الله عورته يفضحه و (ولو) فى بيته» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۴ هـ: ۱۲ / ۳۵۳): ای گروهی که به زبان اسلام آورده‌اید و ایمان در قلب شما جای نگرفته است، از مسلمانان بدگویی مکنید و در جست‌وجوی عیب‌های آنان مباشید؛ چراکه هرکسی که در پی کاستی‌های آنان برآید خداوند در جست‌وجوی عیوب او خواهد بود و آن که خدا با او چنین کند، رسوایش خواهد ساخت، هرچند در خانه‌اش باشد.

۳. «من حمى مؤمناً من منافقٍ بعث الله ملكاً يحمى لحمه يوم القيامة من نار جهنم، و من رمى مسلماً بشيء يُرید شينه به حبسه الله على جسر جهنم حتى يخرج مما قال»: هر کس مؤمنی را در برابر منافقی حمایت کند خداوند فرشته‌ای را برمی‌انگیزد تا بدن او را در روز رستاخیز حمایت کند و هر کس امر زشتی را به مسلمانی نسبت دهد خداوند او را در روز قیامت بر پل جهنم می‌بندد تا از عهده آن چه گفته است برآید.

۴. «إني لم أومر أن انقب عن قلوب الناس و لا أشق بطونهم» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۱/۳۹۱): من مأمور نشده‌ام دل‌های مردم را بشکافم و از افکار درونی آنها باخبر شوم.

۵. «و من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوة خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلایق» (خرازی، بی تا: ۵ از ۲۶): هر کسی در راه جست‌وجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد.

۶. «من رأى عورة فسترها كمن أحيا مؤودة» (سجستانی، ۱۴۱۰ ق: ۴۵۴/۲): هر کس عیب دیگری را بیپوشاند همانند کسی است که زنده‌به‌گوری را نجات داده باشد.

امام علی(ع) نیز در نامه خویش به مالک اشتر هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده، مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری‌جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند، توصیه فرموده است (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۶۸-۵۶۹):

«وَلَيْكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عِيُوبًا؛ الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرَهَا؛ فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا؛ فَإِنَّمَا عَلِيكَ تَطْهِيرٌ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ لَكُمْ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ؛ فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تَحَبُّ سَتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ ... وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاثٌ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ»: باید دورترین مردم از تو و مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آن‌که در مردم لغزش‌هایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشانیدن آن‌ها سزاوارتر است. پس در جست‌وجوی امور پنهان مباش، و وظیفه تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که پروردگار بر هر آن‌چه از تو پنهان است حکم می‌کند. پس تا آن‌جا که می‌توانی عیب را بیپوشان تا خداوند نیز آن‌چه را دوست داری از مردم مخفی بماند، بیپوشاند ... و از آن‌چه در نظرت روشن نیست کنار بگیر. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می‌شود، خیانتکار است.

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است: «لا تفتش عن أديانهم فبقی بلا صدیق» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۲/۱). از دین مردم تفتیش مکن که در این صورت بدون دوست می‌مانی.

لغت‌شناسان دربارهٔ تعریف اصطلاحات تجسس و تحسس و تفتیش و ترادف یا تغایر معنایی آن‌ها اختلاف نظر دارند. به اعتقاد برخی، اصطلاحات مذکور دارای معانی واحد هستند و به اعتقاد بعضی دارای معانی متعدد. تعاریف مختلفی که از تجسس و تحسس صورت گرفته است، به اختصار عبارتند از:

۱. قرطبی از قول أخفش می‌گوید که تفاوتی میان اصطلاح‌های مذکور وجود ندارد و بسیار شبیه به هم هستند (قرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۳۳۴/۱۶).

الف) تجسس عبارت است از دنبال کردن چیزی که از انسان کتمان شده است و تحسس عبارت است از دنبال خبر گشتن و مطلع شدن از اخبار دیگران بی آن که کتمان در کار باشد.

ب) تجسس عبارت است از دنبال امور گشتن، ولی تحسس عبارت از چیزی است که انسان با بعضی حواس خود آن را درک می‌کند.

ج) تجسس یعنی دنبال خبر گشتن برای دیگران و عامل و جاسوس دیگران بودن، اما تحسس یعنی دنبال خبر گشتن برای خویش نه برای دیگران (همان‌جا).
۲. ابن‌الجوزی نیز در زاد المسیر میان تجسس و تحسس تفاوت قائل شده، می‌گوید:

تجسس یعنی دنبال عورات مردم گشتن ولی تحسس یعنی استماع سخنان دیگران (قرشی البغدادی، ۱۴۰۷ ه: ۱۸۶/۷).

۳. المناوی در فیض القدير وجه فارق سومی را میان تجسس و تحسس اعلام می‌کند. به اعتقاد وی، علاوه بر تفاوت‌های مذکور در سطور فوق، تجسس عبارت است از دنبال اخبار شرّ دیگران گشتن، ولی تحسس عام است و شامل اخبار شر

و خیر می شود (مناوی، ۱۴۱۵هـ: ۱۵۹/۳).

۴. آیت الله سید محسن خرازی پس از ذکر اقوال مصباح المنیر، مقابیس المنیر، صحاح جواهری، لسان العرب، اخفش و قرطبی که برخی به ترادف تجسس و تحسس معتقد بوده، برخی میان آنها تفاوت گذاشته اند، چنین نتیجه گیری می کند (خرازی، بی تا):

«فتحصل أن التجسس هو التتبع والتفحص عن بواطن الامور، سواء كان لنفسه او لغيره وسواء كان لداعی الشر او لداعی الخیر وسواء كانت الامور خیراً او شراً».

۲-۱. ممنوعیت استراق سمع

استراق سمع نیز در سنت اسلامی ممنوع اعلام شده است، چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند هر کس که به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می شود (ابوبصیر، بی تا: ۳): «من استمع إلى حدیث قوم و هم یفرون منه، صبَّ فی أذنب الانک».

۳-۱. ممنوعیت سوءظن

در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اسلام (ع) سوءظن منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده است. به همین دلیل، برای برخورد بنیادی با معضل تجسس به مردم توصیه شده است که از سوءظن درباره گفتار و اعمال دیگران پرهیز کنند؛ به ظاهر اعمال و گفته ها اعتماد کنند، مگر آن که خلاف آن اثبات شود نه آن که ظواهر را براساس سوءظن مورد تفتیش قرار دهند.

۱. آیه ۱۲ سوره حجرات در این باره می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إجتنبوا کثیراً من الظنّ إنَّ بعضَ الظنّ إثمٌ ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً» ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید که پاره ای از آنها گناه است و تجسس مکنید و غیبت نکنید بعضی از شما بعضی دیگر را.

۲. پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده اند (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۱/۱): «إیاکم والظن،

فإنَّ الظنَّ اكذب الحديث ولا تحسسوا ولا تجسسوا»: بر شما باد اجتناب از ظن، همانا ظن کذب‌ترین سخن‌هاست و از تحسس و تجسس اجتناب کنید.

۳. علامه مجلسی در بحار الانوار از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ: ۱/۷۲): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَمَالَهُ وَأَنْ يَظُنَّ بِهِ ظَنُّ السُّوءِ»: همانا خداوند متعال، جان و مال مسلمان را محترم ساخته و از سوء‌ظن به او منع کرده است.

۴. نیز از امام علی (ع) نقل شده است (همان: ۲۰/۷۲): «ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَيَّ أَحْسَنَهُ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ، وَلَا تَظُنَّنْ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا»: امر برادر (دینی) خود را بر شکل احسن آن تعبیر کن، مگر آن که خلاف آن بر تو اثبات شود. بر سخن بدی که بر زبان برادرت جاری شده و تو می‌توانی محملی برای تعبیر آن به خیر بیابی، ظن سوء مبر.

۵. از امام کاظم (ع) نیز تعبیر مشابهی روایت شده است (همان: ۴۱/۷۲): «إِذَا كَانَ الْجَوْرُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ، لَمْ يَحِلَّ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ مِنْهُ». ۶. و بالاخره آن که امام صادق (ع) در تصدیق قول و فعل مسلم و نهی از سوء‌ظن فرموده‌اند (همان: ۴۰/۷۲): «الْمُؤْمِنُ أَصْدَقُ عَلَيَّ نَفْسِهِ مِنْ سَبْعِينَ مُؤْمِنًا عَلَيْهِ»: مؤمن در تصدیق نفس خود از هفتاد مؤمن صادق‌تر است.

در تعریف سوء‌ظن و تفسیر آیات و روایات مذکور علمای اسلام تعبیر مختلفی به کار برده‌اند. ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد که ظن بر چهار قسم است: محظور، مأموریه، مباح و مندوب‌الیه. ظن محظور یعنی سوء‌ظن به خدای متعال، چون که حسن ظن به خدا واجب است. همچنین است سوء‌ظن به مسلمانانی که ظاهرشان عادلانه است. ظن مأموریه عبارت است از ظن نسبت به چیزی بی‌آن که دلیلی که وصول علم به آن را ممکن سازد، ارائه شده باشد. در چنین مواردی، عمل به ظن غالب و اکتفا بر غلبه به جای علم، جایز است. پذیرش شهادت عدول و تقویم مستهلکات و ارش‌هایی که در قبال جنایات باید پرداخته

شوند، براساس این ظن صورت می‌گیرد. ظن مباح، همانند ظن پس از نماز است که در این صورت، شخص می‌تواند بنا بر بُعد غالب ظن خود عمل کند یا این که آن را نادیده بگیرد. دربارهٔ چنین ظنی، از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که در صورتی که ظنی در شما پیدا شد دربارهٔ آن تحقیق کنید، نظیر ظنی که در قلب خود نسبت به برادر خود پیدا می‌کنید و براساس این ظن به وی مشکوک می‌شوید. اما ظن مندوب‌الیه عبارت است از حسن ظن نسبت به برادر دینی (قرشی البغدادی، ۱۴۰۷: ۱۸۵/۷).

۴-۱. ممنوعیت نیمه و غیبت

نیمه یعنی بیانی که خواه با زبان، خواه با صورت مکتوب و خواه با صورت‌های دیگر همانند ایما و اشاره و رمز در حق دیگری گفته می‌شود. نیمه متضمن اظهار عیب یا نقص دربارهٔ دیگری است، به‌گونه‌ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی می‌شود. سبب نیمه ممکن است وجود یک نیت سوء در شخص مرتکب نسبت به منتسب‌الیه باشد یا اظهار حب و دوستی به مخاطب یا حتی تفرج یا فضولی کردن در امور منتسب‌الیه باشد. شهید ثانی می‌گوید حقیقت نیمه عبارت است از افشا و هتک سَری که دارندهٔ آن افشای آن را بر دیگران روانمی‌داند (شهید الثانی، بی‌تا: ۳۰۶).

غیبت وجه مشدد و شرتترین قسم نیمه به‌شمار می‌رود (همان: ۳۰۴). در وسائل الشیعه از زبان ابوذر منقول است که پیامبر(ص) به وی وصیت کرده است (الحر العاملی، ۱۴۱۴ه: ۱۲/ شماره ۸، ۲۸۱، ۱۶۳۰): «ای اباذر، از غیبت برحذر باش که همانا غیبت شدیدتر از زناست. اباذر می‌گوید پرسیدم چرا؟ پیامبر فرمودند: زیرا شخص زناکار چه‌بسا ممکن است توبه کند و توبه‌اش نیز مقبول حق قرار گیرد، اما غیبت بخشیده نمی‌شود مگر آن که کسی که از او غیبت شده ببخشد. اباذر می‌گوید پرسیدم: ای پیامبر، غیبت چیست؟ پاسخ دادند: یعنی این که پشت سر برادرت حرفی بزنی که او خوشش نمی‌آید. گفتم حتی اگر آن حرف حقیقت

داشته باشد؟ فرمودند: بدان که اگر شخصی را به گونه‌ای یاد کنی که در خصوص او صدق می‌کند مرتکب غیبت شده‌ای، اما اگر آن چه گفته‌ای در خصوص او صادق نباشد مرتکب بهتان شده‌ای».

۵-۱. ممنوعیت اشاعهٔ فحشا و هتک ستر

اسلام نه تنها دولت و اشخاص ثالث را از ورود در حریم خصوصی انسان‌ها منع کرده است، بلکه به تک‌تک انسان‌ها نیز دستور داده است که از افشای امور و مسائلی که نوعاً برای دیگران فاش نمی‌شود و نوعاً کتمان آن‌ها برتر از ابراز آن‌ها تلقی می‌شود، خودداری کنند. از پیامبر گرامی اسلام منقول است که: «من اذاع الفاحشة کمن مبتدئها» ([امام] خمینی، ۱۳۶۸: ۲۹۴/۱): همانا کسی که اشاعهٔ فحشا می‌کند همانند کسی است که آن را به وجود آورده است.

از مجموع روایات اسلامی و تفسیرهای آن‌ها چنین برمی‌آید که افشای برخی از مسائل خصوصی حتی با رضایت دارندهٔ حریم خصوصی مجاز نیست، زیرا اشاعهٔ فحشا محسوب می‌شود. همچنین است افشای مسائلی که به ستر عورت انسان مربوط می‌شود، زیرا حفظ عورت از واجبات است. صاحب جواهر در توصیف انسان عادل تعبیری به کار برده است که ذکر آن در این مقام به جا به نظر می‌رسد: «عادل یعنی کسی که عیب‌ها و لغزش‌های خود را می‌پوشاند تا دیگر مسلمانان نتوانند بر آن اطلاع یابند و نه کسی که هیچ عیب یا لغزشی نداشته باشد. بله بهتر آن است که عیبی در او نباشد و لغزشی از او سر نزند، اما اگر عیب یا لغزشی باطناً از او سر بزند بر او واجب است که آن را از دیگران بپوشاند. زیرا اشاعهٔ فحشا ممنوع است و ستر عورت واجب» (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۹۸/۱۳).

۶-۱. ممنوعیت خیانت در امانت

وفای به عهد و برگرداندن امانات به صاحبان آن‌ها در آیات قرآن و سنت اسلامی مکرر توصیه شده است. امین مکلف است ودیعه را همان‌طور که به وی سپرده شده، نگاهداری کند و از تعرض به آن خودداری کند. برای مثال، اگر مورد ودیعه

در یک پاکت ممهور یا در یک جعبه سربسته به وی داده شده باشد باید از بازکردن پاکت یا جعبه خودداری کند، والاّ مسئول هر نوع نقص و عیبی خواهد بود که ممکن است به مال امانی وارد شود، هرچند که نقص و عیب مستند به فعل او نباشد.^۱ پزشک و وکیل نیز نسبت به اطلاعاتی که بیماران یا موکلان در اختیار آن‌ها می‌گذارند در حکم امین هستند و حق افشای آن‌ها را ندارند.

۲. ملاحظات مرتبط با حریم خصوصی در فرایند گزینش

با توجه به آنچه در خصوص مصادیق مهم تعرض به حریم خصوصی افراد و احکام آن‌ها در منابع اسلامی گفته شد، به منظور رعایت حق حریم خصوصی افراد در فرایند گزینش، رعایت نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۲-۱. رعایت قاعده «کَلِمَا لَا يَعْلَمُ إِلَّا مِنْ قَبْلِ الْمَدْعَى، يَقْبَلُ قَوْلَهُ فِيهِ بَلَا بَيِّنَةٍ»

در برخی از موضوع‌ها، فقط خود فرد است که اطلاعات لازم برای فرایند گزینش را در اختیار دارد. در چنین مواردی اخذ اطلاعات از دیگران جایز نیست و برمبنای این قاعده، در اثبات دعوای نیز ادعای مدعی بدون نیاز به اقامه بینه، پذیرفته می‌شود، بدین معنا، هر چیزی که تنها به واسطه مدعی دانسته می‌شود و از طرف او قابل اثبات است (علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۲: ۱۹-۳۸). برای مثال، این که فرد در منزل خود نماز می‌خواند یا نه، آیا به فلان موضوع اعتقاد دارد یا نه، آیا نظر فلان شخص را قبول دارد یا نه، همگی از پرسش‌هایی‌اند که پاسخ‌دهنده می‌تواند به آن‌ها پاسخ مثبت یا منفی بدهد. احراز صحت پاسخ وی یا غیرممکن بوده و یا بسیار دشوار است که چه بسا با ورود به حریم خصوصی و تفتیش عقیده

۱. ماده ۶۱۸ قانون مدنی با الهام از فقه در این باره می‌گوید: «اگر مال ودیعه در جعبه سربسته یا پاکت مختوم به امین سپرده شده باشد، حق ندارد آن را باز کند والاّ ضامن است.»

ملازمه داشته باشد که هر دو ممنوع هستند. در نتیجه، در چنین مواردی باید فرض را بر صحت گفته افراد گذاشت.

دیوان عدالت اداری در آرای متعددی بر لزوم رعایت مطلب فوق تأکید کرده است که در زیر به دو رأی اشاره می‌شود:

رأی اول: «... به نظر می‌رسد جمع‌آوری دلایل دیگر و یا حتی تحقیق و سؤال از دیگران در خصوص مسائل اعتقادی که شخص اقرار به آن دارد، خارج از حیطه وظایف مأمورین تحقیق گزینش می‌باشد»^۱.

رأی دوم: «... در حالی که در ما نحن فیه، این چنین عمل نشده و علی‌رغم تأیید صلاحیت وی از جوانب مختلف از سوی منابع تحقیق و مسئول آموزشگاه، هسته محترم گزینش و به دنبال آن هیئت محترم مرکزی گزینش به استناد بعضی از مطالبی که مشارالیه‌ها صادقانه به آن‌ها اشاره داشته، به رد صلاحیت وی نظر داده‌اند. در حالی که چنانچه نام‌برده صادق نبود و مطالب مذکور را صادقانه بیان نمی‌کرد، چه بسا با توجه به مطالب بیان شده از سوی منابع تحقیق در جهت تأیید صلاحیت همه‌جانبه وی، هسته گزینش اساساً متوجه چنین امری نمی‌شد و الزمات این که صداقت و راست‌گویی افراد نباید در نظام مقدس اسلامی موجب ضرر و زیان معنوی و حیثیتی و مادی افراد گردد که این امر خود باعث تشویق آحاد جامعه به عدم صداقت و بیان اظهارات خلاف واقع خواهد شد که مسلماً چنین امری برخلاف تعلیمات انسان‌ساز دین مبین اسلام خواهد بود. با عنایت به مراتب فوق و نظر به این که نکات مثبت شاکیه به مراتب بیشتر از نکات متقن و ضعف‌های بیان‌شده وی می‌باشد، دیوان دعوی وی را وارد تشخیص و مستنداً به ماده مذکور و مواد ۷، ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکیه و نقض رأی معترض‌عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که پرونده وی مجدداً رسیدگی و با رعایت موازین شرعی، قانونی و قوانین و مقررات مربوطه

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۵۱۰، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲۵.

به‌ویژه رعایت تبصره ذیل ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر اقدام به صدور رأی شایسته گردد»^۱.

۲-۲. رعایت ممنوعیت تفتیش عقیده

یکی از جنبه‌های حریم خصوصی، حمایت از انسان‌ها در برابر تفتیش مکنونات و عقاید باطنی آن‌هاست. بر این اساس، افراد حق دارند تا عقاید و نیت خود را اولاً تنها در صورتی که بخواهند، ثانیاً به‌صورتی که بخواهند، ثالثاً به افرادی که بخواهند، بیان کنند. مکنونات و افکار و نیت ابرازنشده هر انسان، تشکیل‌دهنده تمامیت معنوی و شخصیت اوست که از تجاوز دیگران به این عرصه باید جلوگیری کرد. بر این اساس، هرگونه اخذ اجباری و توأم با تهدید اطلاعات از افراد ممنوع و تفتیش عقیده به‌شمار می‌رود که در قوانین اساسی همه کشورهای از جمله در اصل ۲۳ قانون اساسی ما ممنوع اعلام شده است. اصل ۳۸ نیز تصریح می‌کند که «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». حتی ممکن است اجبار محسوسی در کار نباشد، اما روشی برای کسب اطلاع از فرد به کار رود که جنبه‌های پنهان شخصیتی او را برخلاف رضایتش آشکار سازد. برای مثال، از برخی تست‌های پیچیده شخصیت یا روش‌ها و ابزارهای دروغ‌سنج استفاده شود که برخلاف رضایت فرد، اطلاعاتی از باطن و امور پنهانی وی به‌دست می‌دهد. به همین دلیل، در برخی از کشورها استفاده از چنین تست‌ها و ابزارهایی ممنوع اعلام شده است.

۳-۲. محدود کردن استفاده از داده‌های شخصی

پس از جمع‌آوری اطلاعات افراد این خطر وجود دارد که از آن‌ها برای مقاصد مختلفی که در ابتدا موردنظر نبوده است استفاده شود. به همین جهت، در قوانین

۱. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۵۴۹، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱۲/۱۰/۲.

بسیاری از کشورها تصریح شده است که مؤسسات عمومی باید اطلاعات شخصی دربارهٔ افراد را فقط برای منظور و هدف اولیه از جمع‌آوری آن‌ها به کار برند و نمی‌توانند برای اهداف و مقاصد دیگر از آن‌ها استفاده کنند، مگر این‌که هدف ثانوی با هدف و قصد اولیه از جمع‌آوری اطلاعات مربوط باشد و اگر اطلاعات مذکور در زمرهٔ اطلاعات شخصی حساس باشد، این ربط باید کاملاً مستقیم باشد یا افراد به استفاده از آن اطلاعات یا افشای آن‌ها رضایت داده باشند یا به‌نحو معقول امکان پیش‌بینی برای آن‌ها باشد که مؤسسات عمومی ممکن است اطلاعات آن‌ها را برای مقاصد دیگر (ثانوی) به کار برند یا افشا کنند. همچنین در برخی از مصوبات بین‌المللی ذکر شده است که مؤسسات عمومی باید داده‌های شخصی را به‌شکلی نگهداری کنند که تشخیص هویت شخصی را که داده به او مربوط می‌شود برای مدتی بیش از آنچه در راستای هدف جمع‌آوری یا به جریان انداختن آن‌ها لازم است اجازه ندهد.

اکنون در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، اصلی با عنوان «اصل مشخص و محدودبودن هدف و منظوری که داده‌ها به‌قصد آن به جریان می‌افتد» شناسایی شده است که مانع از استفاده‌های دیگر از اطلاعات شخصی می‌شود. این اصل در قوانین اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد، انگلستان و فرانسه پیش‌بینی شده است. دو مسئله را باید از هم تمییز داد: اول این‌که منظور از هدف مشخص و خاص چیست و دوم این‌که چگونه ناسازگاری به جریان انداختن ثانوی داده‌های شخصی با توجه به هدف اولیه مشخص می‌شود. قانون انگلستان در پاسخ به این پرسش‌ها تصریح می‌کند که هدف از به جریان انداختن، ممکن است به‌ویژه در اطلاعاتی که به فرد موضوع اطلاعات داده می‌شود مشخص شود یا در قالب یک تذکر یا اختاریه به مرجعی که حمایت از داده‌ها را به عهده دارد اعلام شود. در پاسخ به مسئلهٔ دوم، قانون بلژیک مقرر می‌کند که سازگاری یا ناسازگاری استفاده‌های ثانوی باید در پرتو

انتظارات متعارف و معقول فردی که داده‌ها به او مربوط می‌شود ارزیابی شود. در قانون آلمان، مجاز بودن استفاده‌های ثانوی از داده‌های شخصی، منوط به کار بست ضوابط خاصی است. اساساً می‌توان داده‌ها را برای مقاصد متفاوت به کار برد، مشروط بر این‌که این امر، حافظ منافع مشروع شخصی که اهداف و وسائل به جریان انداختن داده‌ها را تعیین می‌کند یا حافظ منافع مشروع شخص ثالث باشد و فردی که داده‌ها به او مربوط می‌شود نفع مشروع متضادی با آن‌ها نداشته باشد (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

۲-۴. محدود کردن گردش اطلاعات افراد

با فرض این‌که اطلاعات مربوط به حریم خصوصی متقاضی استخدام با رضایت وی یا به حکم قانون جمع‌آوری شود باید از به جریان انداختن آن و افشای آن‌ها به دیگران امتناع شود.

در نظام حقوقی ایران نیز گردش داده‌های شخصی محدود شده و فقط در موارد استثنایی اجازه داده شده است. در خصوص دسترسی به داده‌های شخص می‌توان از ماده ۱۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ یاد کرد که دسترسی اشخاص ثالث و مؤسسات عمومی به اطلاعات شخصی را مقید به قیودی کرده است. ماده مذکور می‌گوید:

«مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد باید از در اختیار قراردادن اطلاعات درخواست‌شده خودداری کنند، مگر آن‌که: الف) شخص ثالث به‌نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد؛

ب) شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد؛

ج) متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست‌شده در

چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به‌عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد».

درخصوص اطلاعات حاصل از گزینش نیز ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش نیز مقرر کرده است که: «کلیه اطلاعات به‌دست‌آمده در مراحل مختلف گزینش به‌صورت محرمانه در پرونده گزینش داوطلبان ثبت و ضبط می‌گردد و افشای آن مجاز نمی‌باشد و با متخلفین طبق مقررات مربوطه برخورد خواهد شد».

۲-۵. اجازه دسترسی به داده‌های شخصی و تصحیح آن‌ها

داده‌های جمع‌آوری‌شده درباره یک فرد ممکن است از خود وی جمع‌آوری نشده باشند و در نتیجه درست نباشند. یا ممکن است در زمان جمع‌آوری درست بوده باشند اما به‌مرور زمان و تغییر اوضاع و احوال، دیگر درست نباشند و اصلاح آن‌ها ضرورت داشته باشد. به همین دلیل، باید امکان دسترسی اشخاص به داده‌های شخصی خودشان فراهم باشد تا اگر اعتراضی نسبت به صحت و درستی آن‌ها دارند اعلام کنند و مانع از این شوند که استفاده از داده‌های غلط یا به‌گرددش افتادن آن‌ها، سبب ضررهای مادی یا معنوی آنان شود.

تبصره ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش در این‌باره مقرر کرده است که: «در صورت درخواست داوطلبان، موارد به‌صورت کلی، محرمانه و کتبی به وی اعلام شود». این حکم قانون گزینش هرچند از نقاط قوت آن است اما با توجه به اقتضائات حق دفاع، نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی مراجع گزینش و پیشگیری از هرگونه فساد احتمالی در فرایند گزینش، و نیز اصول حاکم بر حریم خصوصی اطلاعاتی، قابل ایراد بوده مستلزم اصلاح است.

فصل سوم

رعایت حرمت افراد

رعایت حرمت افراد

قرآن کریم در آیات متعددی نظیر این آیات: «ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر»، «ویل لكل همزة لمزة»^۱، «واجتنبوا قول الزور»^۲، «یا ایها الذین آمنوا... لا یغتب بعضکم بعضاً»^۳، «لا یحبّ الله الجهر بالسوء من القول الاّ من ظلم»^۴ بر حرمت انسان‌ها و ممنوع‌بودن بدگویی و اهانت تصریح کرده است. روایات مختلفی نیز که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) منقول است بر حرمت سب^۵، شتم^۶، فحش^۷ و تعییر^۸ دلالت دارند و فقهای شیعه و سنی بر حرمت هجو

۱. الهمزة (۱۰۴): ۹-۱.
۲. الحج، (۲۲): ۳۰؛ مرحوم خوئی در این باره می‌گوید: سب مؤمن مصداق بارز قول زور است (ر. ک: خوئی، ۱۳۷۸: ۳۸۴).
۳. الحجرات (۴۹): ۱۲-۱۳.
۴. النساء (۴): ۱۴۸.
۵. قال رسول الله (ص): سباب المؤمن فسوق، (الحر العاملی، ۱۴۱۴: ۲۸۲-۲۸۱/۱۲).
۶. قال أمير المؤمنين (ع) فی خطبه: و من سفه علی الناس شتم (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۳۸/۹؛ عن ابي عبد الله عليه السلام أنه سئل عن شتم رسول الله (ص) فقال (ع): يقتله الأدنى فالأدنى قبل أن يرفع إلى الامام (الحر العاملی، ۱۴۱۴: ۵۵۴-۵۵۴/۱۸).
۷. قال رسول الله (ص): ان الله لا یحب الفحش و لا التفحش (ابن قدامه، بی تا: ۱۵۷/۹؛ قال (ع): الفحش والتفاحش ليسا من الاسلام و قال (ع): احذر فحش القول والكذب، فإنهما یرزبان بالقائل (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۸۳/۱۲).
۸. صحیحة عبدالله بن سنان، عن ابي عبد الله (ع) قال: من غیر مؤمنا بذنب لم یمت حتی یرکبه (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۴: ۳۵۳/۱۲).

استدلال کرده‌اند.^۱

در نظام حقوق موضوعه نیز قانون اساسی بر مصون بودن حیثیت افراد تصریح کرده^۲ و در قوانین مختلفی نظیر قانون مطبوعات، قانون مجازات اسلامی، قانون مسئولیت مدنی و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، انتشار مطالب اهانت‌آمیز، حسب مورد، از موجبات مسئولیت کیفری و مدنی شناخته شده است. از این رو، افشا یا انتشار اطلاعاتی که به هتک حرمت اشخاص منجر شود ممنوع اعلام شده است.

با وجود تصریح به ممنوعیت هتک حرمت افراد در منابع اسلامی و قوانین، تشخیص مصادیق اعمال و رفتاری که هتک حرمت قلمداد می‌شوند با مناقشه مواجه است، زیرا مفهوم «حرمت» و «هتک» حرمت از نسبت برخوردار است. هر انسانی صرف نظر از این که دیگران درباره او نظر و قضاوت خوبی داشته باشند یا نه می‌تواند برای خود حرمت قائل باشد و اعمال و گفتار دیگران درباره خود را هتک حرمت قلمداد کند.

بدین ترتیب، اولین مسأله مهم در خصوص هتک حرمت آن است که منظور از حرمت چیست؟ منشأ حرمت کجاست؟ آیا همه اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، از حرمت برخوردارند؟ آیا حرمت، امری با جنبه‌های مختلف است و هر کدام از جنبه‌های آن مستلزم احکام خاص است؟ آیا حرمت یک امر ذومراتب است و افراد مختلف از حرمت‌های متفاوت برخوردارند و در نتیجه، حمایت از حرمت باید متناسب با میزان آن، کم یا بیشتر باشد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت که از نظر اصطلاحی، حرمت عنوان عامی

۱. شیخ انصاری می‌گوید: هجاء المؤمن حرام بالأدلة الأربعة لأنه همز و لمز و أكل اللحم و تعبير و إذاعة سر و كل ذلك كبيرة موبقة، فیدل علیه فحوی جمیع ما تقدم فی الغيبة، بل البهتان أيضا (انصاری، ۱۳۷۴: ۱۸۳/۱).
 ۲. اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

است که در ادبیات حقوقی ما با تعابیر مختلفی نظیر حیثیت، شرف، آبرو، شهرت، شأن و مرتبت، تمامیت، کرامت، اعتبار، اسم و رسم و احترام مورد توجه واقع شده است. وجه مشترک همه تعابیر مذکور این است که تعرض به ابعاد شخصیتی افراد را منع می‌کنند. توضیح آن‌که، اعضای هر جامعه معمولاً تلاش می‌کنند تا در زمینه‌های مختلف، تصویر مطلوبی از خود در انظار و افکار دیگران ترسیم کنند و خود را از لحاظ‌های موردنظر (مثلاً از لحاظ علمی، اخلاقی، جسمی و روانی، اقتصادی و...) برای کسب یک موقعیت یا باقی ماندن در یک موقعیت واجد شرایط و صلاحیت جلوه دهند. برای مثال، فردی خود را برای تصدی یک سمت عمومی یا تصدی یک حرفه یا ارتقای رتبه، طرف یک قرارداد واقع شدن، عضو یک انجمن شدن، واجد شرایط و صلاحیت معرفی می‌کند.

از سوی دیگر، زندگی اجتماعی از جمله ورود به مشاغل عمومی و تصدی سمت‌های دولتی، مستلزم ارزیابی و قضاوت درباره اعمال و گفتار و سایر ویژگی‌های متقاضیان این مشاغل و سمت‌هاست. این ارزیابی‌ها و برداشت‌ها، تا حد زیادی اعتبار و حرمت افراد را آشکار می‌کند. هر نوع بیان مطلب درباره شخص متقاضی حاکی از انجام یک ارزیابی بیرونی نسبت به رفتار یا گفتار یا ویژگی‌های آن شخص و انعکاس‌دهنده نظر مرجع یا مقام ارزیابی‌کننده درباره اوست.

بدیهی است که کم‌وکیف ارزیابی‌ها، نظرها و قضاوت‌ها درباره هر فردی عمدتاً به کم‌وکیف اطلاعات در دسترس یا قابل دسترس از آن فرد بستگی دارد. از این رو، اعضای جامعه همواره انگیزه قوی دارند تا با اعمال کنترل‌های لازم بر اطلاعات مربوط به خود، اطلاعاتی را به دیگران ابراز کنند که مطلوب‌ترین تصویر را از آن‌ها و فعالیت‌هایشان برای دیگران ترسیم کند. در طرف مقابل، ارزیابی‌کنندگان به دنبال اطلاعاتی‌اند که قضاوت‌های آن‌ها را تسهیل، تسریع و دقیق کند. در فرایند گزینش، کشمکش بین تمایل به کتمان و تمایل به دسترسی و افشا،

مسئله پیچیده تزاخم حق‌ها را به میان می‌آورد: آیا حق بر حرمت و حریم خصوصی که از کتمان اطلاعات حمایت می‌کنند اولی و غالب هستند یا تکلیف به انتخاب افراد امین، متخصص و شایسته برای ارائه خدمات عمومی؟ شاید بتوان چنین پاسخ داد که مرجع گزینش، زمانی که با حرمت ادعایی یا تصویر اجتماعی یک فرد مواجه می‌شود، از نظر قانونی ملزم است دنبال مبنایی صحیح و قابل اعتماد برای ارزیابی‌های خود باشد و از مردم و دستگاه‌های اجرایی که باید امانت‌دار مردم باشند در برابر نیرنگ و تقلب احتمالی حفاظت کند. در نتیجه، مأموران گزینش ممکن است دلایل مشروع و موجهی برای ایراد تردید و شبهه نسبت به تصویر اجتماعی القایی از سوی یک فرد داشته باشند و درصدد برآیند تا با دسترسی به اطلاعات آن فرد، تصویر واقعی‌تر از وی به دست آورند. با توجه به این که انسجام و همبستگی و قابلیت بقای هر سازمان اجتماعی منوط به توانایی اعضای آن نسبت به ارزیابی درست از اعمال و گفتار یکدیگر است، در چنین مواردی، نباید به متقاضیان استخدام عمومی اجازه داده شود تا با استناد به قواعد هتک حرمت یا حریم خصوصی، چهره واقعی خود را پنهان سازند و به موقعیت سوءاستفاده از اموال، امکانات و اختیارات عمومی دست یابند (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

بدین ترتیب قواعد ناظر بر هتک حرمت و حریم خصوصی از رفتار خطاکارانه انسان‌های ریاکار و متقلب حمایت نمی‌کند. چراکه این اشخاص، خود علیه حرمتشان اقدام کرده‌اند. به تعبیر یکی از صاحب‌نظران، «هرگز نمی‌توان به اشخاص حق داد که خود را در برابر آثار زیان‌بار افشای حقایق راجع به خصلت‌های خود حمایت‌شده بدانند. انسان متقلب و غیرصادق هنگامی که حسن شهرت دروغین او با افشای ماهیت واقعی‌اش از بین می‌رود، چیزی از دست نداده است» (همان: ۲۶۱). با وجود این، نباید فراموش کرد که همان‌گونه که در فرمان هشت‌ماده‌ای امام(ره) و منابع اسلامی آمده است، تأمین مصالح و منافع عمومی مرتبط با

امر گزینش هرچند می‌تواند مستلزم دسترسی به اطلاعاتی باشد که متقاضی استخدام به دلیل نگرانی دربارهٔ آبرو و حرمت خود، مخالف این دسترسی باشد، اما این دسترسی باید فقط در حد ضرورت بوده و با رعایت امانت کامل صورت گیرد. در واقع، مراجع و مأموران گزینش ممکن است از عیوب و خطاها و لغزش‌ها و گناهان متقاضیان استخدام مطلع شوند. اما فقط در حدی که برای انجام وظایف قانونی‌شان ضرورت داشته باشد و پس از اطلاع نیز باید از هرگونه افشای اطلاعات خودداری کنند.

برای مثال، داده‌ها و اطلاعاتی که در نظام ثبت احوال کشور تولید می‌شود و همواره در فرایند گزینش مورد توجه مراجع ذی‌ربط قرار می‌گیرد یا براساس اعلام افراد ذی‌ربط است^۱ یا براساس اسناد و ادله‌ای که سایرین در اختیار ادارات ثبت احوال قرار می‌دهند؛ این اسناد، غالباً حاوی اطلاعات دقیق و حساس دربارهٔ امور خصوصی افراد هستند که علی‌الاصول باید از افشای آن‌ها به اشخاص ثالث امتناع شود. برای مثال، گواهی تولد هر کسی شامل اطلاعات مختلفی نظیر مکان تولد است. ممکن است محل تولد یک فرد ندامتگاه باشد و وی به هیچ‌وجه راضی نباشد^۲ که دیگران با دسترسی به گواهی تولد وی از این امر مطلع شوند یا فردی

۱. مادهٔ ۱۶ قانون ثبت احوال می‌گوید: اعلام و امضای دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به‌عهدهٔ اشخاص زیر خواهد بود: پدر یا جد پدری، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل باشد، متصدی یا نمایندهٔ مؤسسه‌ای که طفل به آن‌جا سپرده شده است و صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

۲. تبصرهٔ مادهٔ ۱۸ قانون ثبت احوال می‌گوید: «در صورتی که طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازهٔ مخصوص باشد نظیر ندامتگاه، کانون اصلاح تربیت و غیره، متصدیان این سازمان‌ها مکلف به اطلاع واقعه و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می‌باشند».

که نام و نام خانوادگی وی فرضی است و پدر و مادر واقعی او مشخص نیست ممکن است از افشای صورت‌مجلس پیداشدن وی در خیابان، به‌شدت احساس حقارت کند. همچنین، قانون به هر فردی این اجازه را داده است که در برخی از شرایط به اصلاح هویت شخصی خود اقدام کند؛ برای مثال، نام یا نام خانوادگی ناخوشایندش را تغییر دهد. بر این اساس، شخصی که نام خانوادگی خود را به‌دلیل موهن‌بودن آن تغییر داده است مایل است که با نام خانوادگی جدید شناخته شود و تا آن‌جا که ممکن است نام خانوادگی قبلی وی به فراموشی سپرده شود یا فردی که به‌دلیل، لکه‌دارشدن شهرت خانوادگی خود، به‌طور قانونی نام خانوادگی خود را تغییر داده است (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۶۰) ممکن است تمایلی به برملاشدن شهرت قبلی خودش نداشته باشد. در چنین مواردی، دسترسی به اطلاعات مذکور برای احراز هویت واقعی متقاضی استخدام ضروری است، اما این دسترسی نمی‌تواند مجوز افشا و انتشار آن اطلاعات برای عموم مردم یا دیگران قرار گیرد. به همین جهت است که امانت‌داری باید از ویژگی‌های حیاتی همه مراجع و مأموران گزینش باشد. در این باره می‌توان این سخن پیامبر اکرم (ص) را آویزه گوش قرار داد که فرموده‌اند «من رأی عورة فسترها کمن أحمیا مؤوودة» (سجستانی، ۱۴۱۰ق: ۲/۴۵۴؛ یعنی هر کس که عیوب دیگران را بیوشاند همانند آن است که زنده‌به‌گوری را نجات داده باشد).

فصل چهارم

اصل برائت

اصل برائت

اصل ۳۷ قانون اساسی در این خصوص می‌گوید: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». همچنین، دیگر اصول قانون اساسی همچون مواد ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸ نیز بیان‌گر پذیرش آثار اصل برائت به‌شمار می‌روند.

اصل برائت از جمله حقوق شهروندی است و در کنار شماری اصول دیگر از جمله حق دسترسی به دادگاه، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، اصل منع شکنجه و... از جمله حقوق قضایی شهروندان تلقی می‌شود. همین امر باعث توجه و ذکر این اصل در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ شده است. در بند ۲ این ماده واحده آمده است: «محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». برخی از آثار اصل برائت عبارتند از: ممنوعیت الزام افراد به اثبات بی‌گناهی خود و متقابلاً تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل علیه متهم (البینه علی المدعی والیمین علی من انکر)، ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود یا شهادت و اقرار علیه خود و ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود. براساس اصل برائت، شخصی که اتهامی علیه وی مطرح شده، ولی به

محکومیت منجر نشده است، بری از آن اتهام محسوب می‌شود و از همه حقوق شهروندی برخوردار است. همچنین است وضعیت فردی که پس از محکومیت، اعاده حیثیت حاصل کرده است.

دیوان عدالت اداری بر مبنای اصل براءت، صدور قرار منع تعقیب در مراجع کیفری را برای زیر سؤال بردن صلاحیت فرد کافی ندانسته است: «... با توجه به این که به موجب اصل سی و هفتم قانون اساسی اصل بر براءت است، نمی‌توان با استناد به مواردی که شاکی به موجب قرار منع تعقیب از آن تبرئه گردیده، صلاحیت اخلاقی شاکی را مورد تردید قرار داد و با توجه به قرار صادره موصوف، هیچ‌گونه دلیل متقنی مبنی بر این که شاکی فاقد وصف مندرج در بند ۴ ماده ۲ قانون گزینش کشور می‌باشد وجود ندارد...»^۱

طبق قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) نیز ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی می‌گوید افترا عبارت است از این که شخصی صریحاً ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت دهد بدون آن که بتواند صحت آن را اثبات کند.^۲ البته چنان چه شخصی در مقام احقاق حق و بدون سوءنیت، دیگری را به ارتکاب جرم متهم کند، ولی نتواند اتهام انتسابی را اثبات کند به‌عنوان مفتری قابل تعقیب نخواهد بود.^۳

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۱۰۰۲۰۵، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۴/۸.
 ۲. ماده ۶۹۷: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد.

۳. البته ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش تصریح کرده است که: «هیچ‌یک از اعضای هیئت، هسته، محققین و مصاحبه‌گران گزینش را نمی‌توان در ارتباط با وظایفی که طبق قانون گزینش برای جمع‌آوری اطلاعات، مدارک و همچنین صدور رأی دارند تحت تعقیب قضایی قرار داد» و بدین وسیله امکان قانون برای طرح دعوای افترا علیه مأموران گزینش را منتفی کرده است.

فصل پنجم

اصل صحت

اصل صحت

علاوه بر اصل براءت که عمدتاً در هنگام طرح اتهام کیفری علیه افراد مورد استناد قرار می‌گیرد، اصل صحت نیز ایجاب می‌کند که اعمال افراد را به وجه صحت آن‌ها حمل کنیم و از سوءظن نسبت به آن‌ها اجتناب کنیم. توضیح آن که با توجه به مستندات قرآنی و روایی که در خصوص ممنوعیت سوءظن گفته شد، فقهای امامیه، اصلی را با عنوان اصل صحت استخراج کرده‌اند که مفاد آن این است که اگر در فعل کسی شک کنیم که آیا تکلیفاً کار حرام انجام می‌دهد یا حلال و یا شک کنیم که عملش وضعاً صحیح است یا باطل، به مقتضای اصل صحت می‌گوییم عملش حلال است نه حرام و کارش صحیح است و باطل نیست. مثلاً اگر کسی مایعی می‌نوشد که احتمال دارد آب یا شراب باشد، موافق اصل مذکور هرگز نمی‌گوییم که وی شراب می‌نوشد. یا شخصی عبادتی کرده یا عقد و ایقاعی انجام داده است و ما شک می‌کنیم که آن عبادت یا عقد و یا ایقاع، صحیح است یا باطل، به مقتضای این اصل، عمل وی را به صحت حمل می‌کنیم. اصل صحت به معنای تکلیفی عبارت است از حمل نمودن افعال دیگران به حلیت و مشروعیت، و اصل صحت به معنای وضعی عبارت است از حمل نمودن افعال دیگران به صحت و ترتیب اثر دادن به آن.

البته اعمال اصل صحت، منوط به احراز عنوان عمل است؛ در صورتی که فعلی

از شخصی صادر شود و آن فعل، معنون به یکی از عناوین باشد. اگر در صحت و فساد آن عنوان شک شود، بنای عقلا حمل بر صحت آن عنوان است. ولی اگر اصل عنوان، مشکوک و غیر محرز باشد، اصل صحت جاری نمی‌شود. مثلاً کسی را می‌بینیم خم می‌شود و به خاک می‌افتد و ما شک داریم که آیا نماز می‌خواند یا کار دیگری انجام می‌دهد، در این صورت که عنوان عمل محرز نیست، نمی‌توانیم اصل صحت را در نماز او جاری کنیم. اما اگر کسی را ببینیم که به قصد نماز، افعال و اذکار را انجام می‌دهد و در فقد جزء و یا شرط و یا در عروض مانع شک کنیم، در این صورت با استناد به قاعده صحت، عمل وی را حمل به صحت می‌کنیم. همچنین هرگاه فاعل، در فعل خود متهم باشد، حمل فعل وی بر صحت مورد اشکال خواهد بود. مراد از اتهام وجود قرائنی است که عادتاً اطلاع بر آن‌ها ایجاد ظن قوی به فساد می‌کند.

دیوان عدالت اداری در آرای متعددی، اصل صحت را مورد توجه قرار داده است. در یک رأی دیوان تصریح شده است که: «... از طرفی فریضه نماز از جمله مسائل مربوط به حق‌الله می‌باشد و این که شاکی در مرحله بدوی مرتکب گناه کبیره دروغ نشده و می‌توانسته به دروغ متوسل شود و این صداقت وی نیز شایسته تحسین است، به خصوص که از خانواده مذهبی است و اکنون اقرار به انجام فرائض مذهبی دارد و کسانی که در دایره اخلاقی و رفتار وی از آنان تحقیق شده مجموعاً وی را جوانی متدین و سالم معرفی کرده‌اند، علی‌هذا بنا به علل و جهات مصرحه فوق، حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه و رسیدگی مجدد با رعایت موارد مصرحه در دادنامه صادره را صادر و اعلام می‌دارد...»^۱

دیوان عدالت اداری، وجود شبهه و تردید نسبت به افراد را برای رد صلاحیت آن‌ها کافی نمی‌داند و اعلام می‌کند که نظرات مثبت اکثریت منابع تحقیق درباره متقاضی استخدام، مانع رد صلاحیت اوست: «... اظهارات صادقانه شاکیه

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۴۹۳، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲۴.

در گزینش نیز نباید دلیلی بر عدم پذیرش وی باشد و با توجه به این که پاسخ مشارالیها در مقابل سؤالات گزینش بیش از نود درصد جنبه مثبت دارد و کلیه کسانی که از آنان درباره شاکیه و خانواده وی تحقیق شده، نظر مثبت دارند. علی هذا حکم به ورود شکایت شاکیه و نقض رأی معترض عنه و طرح مجدد پرونده در هیئت هم عرض صادر و اعلام می گردد»^۱.

دیوان عدالت اداری، تردید در داشتن اعتیاد به مواد مخدر را موجب سلب حق اشتغال ندانسته است: «... و این که علت رد صلاحیت شاکیه، نداشتن شرایط و ضوابط عمومی گزینش از جانب شاکیه به لحاظ اعتیاد به مواد مخدر ذکر گردیده است ... علی رغم این که نتیجه انجام تست اعتیاد منفی بوده است. استناد مشتکی عنه صرفاً به داشتن سوء شهرت به استعمال مواد مخدر، کافی برای انتساب اعتیاد به شاکیه نمی باشد. ... مع التوصیف ادعای شاکیه در این خصوص مقرون به صحت تلقی و وارد است»^۲. و همچنین «... نظر به این که عمده دلیل عدم احراز صلاحیت تجدیدنظر خواه جهت استخدام، پاسخ مثبت تست اعتیاد به عمل آمده از مشارالیه می باشد و چون نام برده مدعی عدم اعتیاد است و نتیجه تست اعتیاد به عمل آمده که در یک مرتبه صورت گرفته است، به لحاظ امکان وقوع اشتباه یا تداخل دارو موجب اتقان و اقناع نمی گردد، لذا ضمن پذیرش تجدیدنظر خواهی با استناد به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رأی معترض عنه نقض و حکم به ورود شکایت دایر بر نقض رأی هیئت مرکزی گزینش و رسیدگی مجدد در همان هیئت با انجام تست اعتیاد مجدد صادر و اعلام می دارد. رأی صادره قطعی است»^۳.

در پرونده دیگری، دیوان عدالت اداری، با وجود اقرار متقاضی استخدام به اعتیاد در گذشته، ادعای ترک اعتیاد در حال حاضر را موجبی برای نقض رأی

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۲۵۴، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲.

۲. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۸۵۹، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰.

۳. شماره رأی نهایی ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۰۳۱، تاریخ رأی نهایی ۱۳۹۳/۱/۲۰.

گزینش و رسیدگی مجدد به پرونده وی دانسته است: «... و درخصوص بند ۷ ماده ۲ قانون گزینش نیز با توجه به این که مشارالیه به استفاده از مواد مخدر در گذشته اقرار نموده ولی مدعی ترک اعتیاد شده و تقاضای انجام آزمایش مربوط به مواد مخدر شده است که گزینش محترم وقعی به این موضوع ننموده است و از آنجایی که ملاک در گزینش افراد حال فعلی آنان است و نامبرده ادعای ترک اعتیاد دارد و در این راستا خواستار معرفی به آزمایشگاه جهت انجام آزمایش شده که در این خصوص اقدامی صورت نگرفته است. لذا با عنایت به مراتب فوق، دیوان دعوی وی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۷، ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رأی معترض عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که پرونده وی مجدداً رسیدگی و... اقدام به صدور رأی شایسته گردد».^۱

فصل ششم

حق برخورداری از حاکمیت قانون

حق برخورداری از حاکمیت قانون

یکی از اصول بنیادی حقوق عمومی اصل عدم صلاحیت است. طبق این اصل، مؤسسات و مقامات و کارمندان دولت صلاحیت انجام هیچ کاری را ندارند مگر آن که قانون به آن‌ها اجازه داده باشد. قانون اساسی و سایر قوانین بیان‌کننده وظایف و اختیارات مؤسسات و مقامات عمومی‌اند. این اصل برای تضمین حاکمیت قانون و پیش‌گیری از خودکامگی و خودسری است.

در نظام حقوقی ایران نیز قانون اساسی در بند ۶ اصل سوم مقرر می‌دارد که: «دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی». همچنین، اصل ۲۰ قانون اساسی مقرر کرده است که: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند». اصل ۱۰۷ نیز تصریح کرده است که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

گفتنی است که حاکمیت قانون مستلزم آن است که نهادها و کارگزاران عمومی، تصمیمات و اقدامات خود را براساس قوانین و مقرراتی صورت دهند که

مفاد آن‌ها قبلاً به اطلاع مکلفان رسیده باشد.

یکی از کارکردهای حاکمیت قانون، ایجاد امنیت و ثبات حقوقی است. منظور از امنیت حقوقی آن است که افراد جامعه اطمینان خاطر داشته باشند که اگر اعمال و گفتار خود را به گونه‌ای که مجموع قوانین و مقررات نظام حقوقی مشخص کرده است تنظیم کنند، نه تنها تعرضی به آن‌ها نخواهد شد بلکه در صورت هرگونه تعرض، قانون از آن‌ها حمایت خواهد کرد. امنیت حقوقی به افراد جامعه امکان می‌دهد با در نظر گرفتن قوانین و مقررات به برنامه‌ریزی بپردازند و نتایج برنامه‌های خود را به نحو معقولی پیش‌بینی کنند. اهمیت این ارزش حقوقی به اندازه‌ای است که به گفته یکی از اندیشمندان، امنیت حقوقی مقدمه هر تمدن محسوب می‌شود و از همین رو بر بسیاری از ارزش‌های حقوقی ترجیح دارد. امنیت حقوقی تضمین‌کننده اعتماد اشخاص به طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود است و به اشخاص جامعه این آسودگی خاطر را می‌دهد که با اطمینان لازم و با اعتماد به دیگران فعالیت کنند.

نقطه مقابل حکومت قانون، حکومت اشخاص است. یعنی حکومت طبق نظر، تفسیر و سلیقه مقامات و کارمندان. حکومتی که می‌تواند به خودکامگی منجر شود و اصل سوم قانون اساسی آن را نفی کرده است.

با توجه به توضیح بالا، می‌توان گفت که حاکمیت قانون در فرایند گزینش مستلزم رعایت نکات زیر است:

۱. ممنوعیت افراط و تفریط و سلیقه‌گرایی

برخی از معیارهای احراز صلاحیت جنبه کیفی و مشکک و طیفی دارند. برای مثال، نداشتن فساد اخلاقی، داشتن حسن شهرت یا نداشتن سوء شهرت یا عدم هواداری از گروه‌های ضد نظام یا سلطنت طلب، از مفاهیمی‌اند که شدت و ضعف دارند. ممکن است ارتکاب یک فسق از سوی یک فرد به مثابه فساد اخلاق قلمداد

شود، ولی ارتکاب چند فسق از سوی فرد دیگر، فساد اخلاق شناخته نشود. در چنین مواردی باید با ارائه ضوابط نوعی از افراط و تفریط و اعمال سلیقه پیش‌گیری شود.

دیوان عدالت اداری نیز در آرای متعددی «افراط و اعمال سلیقه مأموران گزینش» را رد کرده است.

در یک رأی مرتبط با بدحجابی آمده است که: «... با بررسی محتویات پرونده گزینشی واصله چون علت عدم احراز شرایط عمومی شاکیه مزبور ضعف حجاب بوده و هیئت مشتکی عنه به استناد بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش صلاحیت مشارالیه را مردود اعلام نموده است. از آن جایی که مستند قانونی اخیرالذکر مبتنی بر وصف «التزام عملی به احکام اسلام» بوده و اگرچه تأیید شارع مقدس به حفظ حجاب اسلامی انکارناپذیر است، لیکن به صرف استناد به ضعف حجاب (نه عدم حجاب) نمی‌توان افراد را متهم به عدم التزام به احکام اسلامی نمود و مفهوم واقعی التزام ریشه در اعتقاد درونی و ایجاد جلوه بیرونی آن است و ضعف حجاب با مصادیقی که در پرونده گزینشی داوطلب استخدام فوق‌الذکر وجود دارد، مشمول بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش نیست و همان‌گونه که از متن فرمان مورخه ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه) مشهود و ملموس است، جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط در گزینش افراد مورد تأکید معظم‌له بوده و از هرگونه تندروری در این خصوص می‌بایست اجتناب به عمل آید. بنا به مراتب مذکور نظر به ضرورت بازنگری مجدد در این خصوص ... رأی معترض عنه را نقض و رسیدگی مجدد به موضوع به همان هیئت ارجاع می‌شود»^۱.

در رأی دیگری، دیوان گفته است که مأموران گزینش نباید بنا به گرایش‌ها و تعاریف خود بخواهند شهروندان را به وصف‌های ناشایستی موصوف کنند و بدین ترتیب آن‌ها را از اشتغال به شغل دولتی محروم کنند:

«...اشتهار به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق (بند ۴ ماده ۲ قانون گزینش) دارای تعریف خاص خود (از حیث شرعی و قانونی) است و به هر نوع ضعف اخلاقی و یا عدم رعایت بعضی از شئون اخلاقی اطلاق نمی‌گردد و بلکه ناظر بر مواردی است که فردی در ارتکاب گناهان و اعمال ضداخلاقی و یا غیرشرعی و شنیع اصرار داشته و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای اعمال مذکور را تکرار نموده و تظاهر نماید و به این امر مشهور باشد، درحالی که در این خصوص و درمورد شاکی چنین امری متصور نبوده و محتویات پرونده بیان‌گر عدم وجود دلایل و مدارک مثبت درمورد وی می‌باشد...»^۱

۲. عدم خروج از صلاحیت‌های قانونی

یکی از ابعاد اصل عدم صلاحیت آن است که مؤسسات عمومی، مقامات و کارمندان باید براساس قوانینی عمل کنند که وظایف و اختیارات آن‌ها را مشخص کرده و از هرگونه تفسیر موسع از وظایف و اختیارات خود و نیز تعرض به وظایف و اختیاراتی که بر عهده دیگر اشخاص حقوق عمومی گذاشته شده است، خودداری کنند. با ذکر برخی از آرای دیوان عدالت اداری در این خصوص، موضوع شفاف‌تر می‌شود:

در یکی از آرای دیوان آمده است که: «... چون علت عمده رد صلاحیت اشتغال شاکی، اتهام انتسابی سوءاستفاده از موقعیت شغلی وی جهت اخذ وام بانکی بوده است، که این موضوع یکی از اتهامات اداری موضوع ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است و رسیدگی به این تخلف اداری در صلاحیت هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد و موضوع فوق‌الذکر در محدوده ماده ۲ قانون گزینش ... نمی‌گنجد. ... همچنین در اوراق مصاحبه بیشترین سؤالات بر موضوع تخلف انتسابی به داوطلب گزینشی متمرکز گردیده

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۲۸۶، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۷.

است، گویی مصاحبه‌کننده در جایگاه مستنطق و یا اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات اداری قرار گرفته است، که این خود خروج از صلاحیت قانونی متصدی مصاحبه را به نمایش می‌گذارد. بنابراین با توجه به ضرورت بازنگری در این خصوص در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون گزینش کشور مصوب ۱۳۷۴ ضمن صدور حکم به ورود شکایت، رأی معترض‌عنه را نقض و رسیدگی مجدد به همان هیئت ارجاع می‌شود.^۱

در رأی دیگری، دادرس دیوان تصریح کرده است که: «... حدود صلاحیت و اختیارات هسته‌های گزینش در حد تأیید صلاحیت داوطلبان ورود به خدمت در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌باشد و اعلام نظر درباره انتقال یا عدم انتقال کارمندی که در حال اشتغال است، به وزارتخانه یا سازمان دولتی دیگر با وظایف و مسئولیت‌های قانونی مرجع مذکور مطابقتی ندارد، علی‌هذا حکم به ورود شکایت شکایه و نقض رأی معترض‌عنه را صادر و اعلام می‌دارد...»^۲.

همچنین، می‌توان این رأی را متذکر شد که اقدام هیئت گزینش را خروج از صلاحیت دانسته است: «...از طرفی عمده استدلال هیئت محترم، کثرت داوطلب و محدودیت ظرفیت استخدامی می‌باشد که به نظر می‌رسد ارتباطی با وظایف هیئت محترم از نظر بررسی اخلاقی و عقیدتی و سیاسی داوطلب ندارد و بنابراین اعطای یک فرصت دیگر به شکایه از نظر گزینش نیز بلااشکال خواهد بود...»^۳.

۳. ملاک قراردادن فرد متقاضی استخدام و نه اطرافیان او

همان‌طور که از نظر شرعی هرکسی در برابر گناهان خود بازخواست می‌شود و هیچ‌کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، از نظر حقوقی نیز هر فرد بالغ،

۱. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۸۰۷، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰.

۲. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۵۲۹، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۳۰.

۳. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۲۵۴، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲.

عادل و رشید مسئول اعمال خودش می‌باشد. مسئولیت در برابر اعمال دیگران بسیار جنبه استثنایی دارد. از این اصل در حقوق کیفری به اصل شخصی بودن مجازات یاد می‌شود.

در فرایند گزینش نیز همواره این اصل باید مورد توجه قرار گیرد که صلاحیت فرد متقاضی باید بررسی شود و او برای اعمال اطرافیانش رد صلاحیت نشود. همواره این امکان وجود دارد که یکی از اعضای خانواده و بستگان متقاضی استخدام، مشهور به فساد اخلاق یا دارای سابقه محکومیت کیفری باشد. این امر به خودی خود نمی‌تواند به رد صلاحیت منجر شود.

دیوان عدالت اداری در چندین رأی بر این نکته تأکید کرده و از حقوق شهروندان دفاع کرده است. از جمله این که در یکی از آرای خود گفته است: «... نظر به این که منابعی که در مورد شاکی از آنان تحقیق به عمل آمده فی‌الجمله مطلبی که مبین ارتکاب محرمات و ترک واجبات شرعی یا رفتار خلاف شئون اجتماعی در حدی که موجب محرومیت وی از حقوق اجتماعی از قبیل حق اشتغال و استخدام گردد نمی‌باشد، بلکه در موارد زیادی، منابع، ایشان را مورد تأیید قرار داده‌اند از طرفی رفتار قابل انتقاد اطرافیان شاکی هم که بعضاً مطرح شده اولاً در حدی که سبب ایراد به صلاحیت شاکی گردد، نمی‌باشد. ثانیاً شرعی و قانونی و منطقی نیست که رفتار اطرافیان مدرک تعیین صلاحیت شاکی گردد. با این اوصاف و با عنایت به این که محروم نمودن افراد از حقوق اجتماعی دلیل قانع‌کننده قانونی می‌خواهد که در خصوص شاکی این امر احراز نمی‌گردد و بررسی‌های معموله در حدی که عدم صلاحیت شاکی را اثبات نماید نیست، لذا حکم به نقض نظریه و رأی هیئت مرکزی گزینش و رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد...»^۱

همچنین در رأی دیگر متذکر شده است که:

«... در صورت اعتیاد پدر و حتی سوء شهرت بستگان داوطلب به درگیری، این موضوعات هیچ ارتباطی به صلاحیت شاکی ندارد و گزینش چه در آرای صادره و چه در لایحه دفاعیه، هیچ گونه مدرک و دلیلی که شاکی شخصاً صلاحیت استخدام را نداشته باشد، ارائه نکرده‌اند، بنابراین حکم به نقض رأی کمیسیون تجدیدنظر گزینش و رسیدگی مجدد در همان کمیسیون صادر و اعلام می‌گردد...»^۱

۴. مینابودن نظر اکثریت در تصمیمات جمعی

با توجه به این که در هسته‌ها و هیئت‌های گزینش که به صورت جمعی تصمیم‌گیری می‌کنند ممکن است در خصوص صلاحیت یا عدم صلاحیت متقاضی استخدام اختلاف نظر وجود داشته باشد، قانون گزینش نظر اکثریت را برای اعتبار تصمیمات لازم دانسته است. این امر بدین معناست که با توجه به اصل برائت و اصل صحت، نظر اقلیت نمی‌تواند مبنای رد صلاحیت قرار گیرد. هر کجا تردید پیش آید که آیا شخص صلاحیت دارد یا نه، اصل اولی صلاحیت است، مگر این که با دلایل و شواهد موثق اکثریت متقاعد شوند که متقاضی فاقد صلاحیت لازم است.

دیوان عدالت اداری، عدم حصول اکثریت هنگام صدور رأی را موجب نقض رأی هیئت گزینش دانسته است: «... در واقع اتفاق نظر اعضا حاصل نگردیده است؛ بنابراین چون شرط اصلی صدور رأی حصول نظر اکثریت بوده که در این خصوص واقع نگردیده است، رأی معترض عنه قابل نقض تشخیص و به استناد تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون گزینش حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد و با نقض رأی مذکور پرونده را جهت رسیدگی مجدد به همان هیئت ارجاع می‌نماید...»^۲

۱. شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۰۴۱۲، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۱۶.

۲. شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۶۸۴.

نتیجه‌گیری

رعایت حقوق شهروندی از سوی حکومت به مثابهٔ تکریم شهروندان است که اعتماد آن‌ها به حکومت را افزایش داده و امنیت درونی حکومت را ارتقا می‌دهد. این امر سبب می‌شود که رفتار حکومت با شهروندانش براساس قانون، بدون تبعیض و شفاف صورت بپذیرد و هرگونه اعتراض نیز از مجاری قانون از پیش مشخص شده پی‌گیری شود.

رعایت حقوق شهروندی منوط به اعتقاد به حکومت براساس قانون، وجود قوانین شفاف و بدون ابهام، وجود نیروی انسانی متخصص، امین و کارآمد، مراجع پاسخ‌گو در قبال سوء اجرای قوانین و تعقیب بدون تبعیض و عادلانهٔ متخلفان است.

یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی رفع استبداد، ریشه‌کنی تبعیض ناروا و برقراری عدل اسلامی و رعایت حق الناس در همهٔ شئون حکومت بوده است. با وجود این، تنها در دهه‌های اخیر است که موضوع حقوق شهروندی به‌طور برجسته مطرح شده و اهمیت خود را در نظام سیاسی، تقنینی، قضایی و اداری کشور پیدا کرده است.

لازمهٔ تحقق این حقوق آن است که حکومت در عرصه‌های مختلفی که تمشیت امور را به دست دارد، از منظر رعایت حقوق مردم نیز به موضوع‌ها نگاه کند. در این صورت است که عرصه‌های مهمی چون آموزش، سلامت، اشتغال، مسکن و تجارت، از کیفیت خاصی برخوردار شده و عنصر احترام به حقوق مردم در آن‌ها متجلی می‌شود.

یکی از عرصه‌های مهمی که با حقوق شهروندی مرتبط است، گزینش نیروی

انسانی برای ورود به مشاغل عمومی است. همان‌طور که در این تحقیق توضیح داده شد، در زمینه‌ی گزینش، قانون شفاف و جامعی در کشور ما وجود ندارد و قوانین موجود نیز با توجه به وضعیت خاص تصویب آن‌ها، با اشکال مغایرت با قانون اساسی و شرع مواجه هستند.

گزینش در مقام عمل، با حقوق شهروندی متعدد در تعارض قرار می‌گیرد که در این تحقیق به نحوه‌ی سازش بین رعایت این حقوق و تأمین اهداف گزینش اشاره شد. خوش‌بختانه رویه‌ی دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد که این مرجع تظلم‌خواهی که شاید بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در حوزه‌ی قضایی باشد، با دقت لازم، رعایت حقوق شهروندی را در فرایند گزینش دنبال می‌کند و آگاهی مراجع و مأموران گزینش از این رویه‌ها، علاوه بر پیش‌گیری از نقض‌های احتمالی حقوق شهروندان در آینده، می‌تواند به شهروندان نیز اطمینان دهد که اشتباهات مراجع و مأموران گزینش در این مرجع قابل اصلاح است. به همین جهت، آرای دیوان مذکور به‌عنوان ضمیمه این تحقیق آورده می‌شود.

منابع

- ابن قدامه، عبدالرحمن. (بی تا)، شرح الكبير على متن المقنع، ج ۹، دار الکتب العربی.
- ابوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه. (بی تا)، حکم الجاسوس، قابل دسترس در: www.Abubaseer.com.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۱)، «حریم خصوصی و ثبت احوال»، نخستین همایش ملی حقوق ثبت احوال، اردیبهشت ۱۳۹۱.
- _____ . (۱۳۸۷)، حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت.
- _____ . (۱۳۹۵)، «مبانی حمایت از حرمت در حقوق معاصر»، در: مجموعه مقالات اهدایی به دکتر عزت‌الله عراقی، تهران، سمت.
- _____ . (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی مسؤلیت مدنی ناشی از نقض حقوق شخصیت در رسانه‌ها»، مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی، د ۹، ش ۲، پاییز و زمستان.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۷۴)، المکاسب، ج ۱، قم، انتشارات دهقانی (اسماعیلیان).
- الحر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴هـ)، وسائل الشیعة، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
- خرازی، السید محسن. (بی تا)، «فی التجسس و التفتیش»، قابل دسترس در: <http://www.IslamicFegh.OrglmagazinesFeghti//.htm>.
- [امام] خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸)، تحریر الوسیلة، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۸)، مصباح الفقاهة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

رى شهري، محمد. (١٣٧٥)، ميزان الحكمة، ج ١، قم، دارالحدیث.

سجستانی، ابی داود سلیمان بن اشعث. (١٤١٠هـ)، سنن أبی داود، ج ٢، قم، دارالفکر.

شهید ثانی. (بی تا)، رسائل، قم، منشورات مکتبة بصیرتی.

علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل. (١٣٩٢)، «پذیرش سخن مُدعی بدون بیّنه با رویکردی به قاعده "کَلِمَا لَا یَعْلَمُ إِلَّا مَنْ قَبِلَ الْمُدْعَى، یقبل قوله فيه بلا بیّنه"»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، د ٤٣، ش ٢، تابستان.

قرشی البغدادی، ابی الفرج. (١٤٠٧هـ)، زاد المسیر، ج ٧، قم، دارالفکر.

قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری. (١٤٠٥هـ)، تفسیر القرطبی، ج ١٦، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر. (١٤٠٣هـ)، بحار الانوار، ج ٧٢، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مقدس اردبیلی، احمد. (١٤١٤هـ)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ١٢، تحقیق مجتبی عراقی، علی پناه اشتهازدی، حسین یزدی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

نجفی، محمدحسن. (١٣٦٧)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ١٣، قم، دارالکتب. نوری طبرسی، میرزا حسین. (١٤٠٨هـ)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ٩، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

شريف الرضى، محمد بن حسين. (١٣٧٩). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات علامه.

پیوست

گزیده آرای دیوان عدالت اداری در خصوص گزینش‌های استخدامی

۱. ... در واقع اتفاق نظر اعضا حاصل نگردیده است؛ بنابراین چون شرط اصلی صدور رأی حصول نظر اکثریت بوده که در این خصوص واقع نگردیده است، رأی معترض‌عنه قابل نقض تشخیص و به استناد تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون گزینش حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد و با نقض رأی مذکور پرونده را جهت رسیدگی مجدد به همان هیئت ارجاع می‌نماید... (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۰۲۶۸۴).

۲. ... و در خصوص بند ۷ ماده ۲ قانون گزینش نیز با توجه به این که مشارالیه به استفاده از مواد مخدر در گذشته اقرار نموده ولی مدعی ترک اعتیاد شده و تقاضای انجام آزمایش مربوط به مواد مخدر شده است که گزینش محترم وقعی به این موضوع ننموده است و از آن جایی که ملاک در گزینش افراد حال فعلی آنان است و نام‌برده ادعای ترک اعتیاد دارد و در این راستا خواستار معرفی به آزمایشگاه جهت انجام آزمایش شده که در این خصوص اقدامی صورت نگرفته است، لذا با عنایت به مراتب فوق، دیوان دعوی وی را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۷، ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکمی و نقض رأی معترض‌عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که پرونده وی مجدداً رسیدگی و ... اقدام به صدور رأی شایسته گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۶۷۵).

۳. با بررسی محتویات پرونده گزینشی واصله چون علت عدم احراز شرایط عمومی شاکیه مزبور ضعف حجاب بوده و هیئت مشتکی‌عنه به استناد بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش صلاحیت مشارالیه را مردود اعلام نموده است. از آن جایی که مستند قانونی اخیرالذکر مبتنی بر وصف «التزام عملی به احکام اسلام» بوده و اگرچه تأیید شارع مقدس به حفظ حجاب اسلامی انکارناپذیر است، لیکن به صرف استناد به ضعف حجاب (نه عدم حجاب) نمی‌توان افراد را متهم به عدم التزام به احکام اسلامی نمود و مفهوم واقعی التزام

ریشه در اعتقاد درونی و ایجاد جلوۀ بیرونی آن است و ضعف حجاب با مصادیقی که در پرونده گزینشی داوطلب استخدام فوق‌الذکر وجود دارد، مشمول بند ۲ ماده ۲ قانون گزینش نیست و همان‌گونه که از متن فرمان مورخه ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) مشهود و ملموس است، جلوگیری از هرگونه افراط و تفریط در گزینش افراد مورد تأکید معظم‌له بوده و از هرگونه تندروی در این خصوص می‌بایست اجتناب به عمل آید. بنا به مراتب مذکور نظر به ضرورت بازنگری مجدد در این خصوص ... رأی معترض‌عنه را نقض و رسیدگی مجدد به موضوع به همان هیئت ارجاع می‌شود (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۴۷۸).

۴. ... نظر به این که گزینش محترم مفاد و مندرجات ماده ۱۵ قانون گزینش کشور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲۸ را در صدور رأی رعایت نکرده و علی‌رغم این که صلاحیت شاکی از سوی بسیاری از منابع تحقیق ... و تعداد کثیری از همکاران وی مورد تأیید قرار گرفته ... که همگی حاکی از صلاحیت گزینش وی می‌باشد نه عدم صلاحیت نام‌برده، ولی گزینش بدون توجه به موارد مذکور، صرفاً به‌استناد قول بعضی از افراد که قطعاً نمی‌تواند موجب اطمینان و شیاع مفید اطمینان وفق موازین شرعی گردد، مبادرت به صدور رأی عدم صلاحیت گزینش شاکی نموده است؛ بناً علی‌هذا و با عنایت به مراتب فوق، دیوان شکایت شاکی را وارد تشخیص و ... حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رأی معترض‌عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که گزینش محترم با رعایت موازین شرعی، قانونی و قوانین و مقررات مربوطه ... مبادرت به صدور رأی شایسته نماید (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۶۰۵).

۵. ... در حالی که در ما نحن فیه، این چنین عمل نشده و علی‌رغم تأیید صلاحیت وی از جوانب مختلف از سوی منابع تحقیق و مسئول آموزشگاه، هسته محترم گزینش و به‌دنبال آن هیئت محترم مرکزی گزینش به‌استناد بعضی از مطالبی که مشارالیهها صادقانه به آن‌ها اشاره داشته، به رد صلاحیت وی نظر داده‌اند. در حالی که چنانچه نام‌برده صادق نبود و مطالب مذکور را صادقانه بیان نمی‌کرد، چه‌بسا با توجه به مطالب بیان‌شده از سوی منابع تحقیق در جهت تأیید صلاحیت همه‌جانبه وی، هسته گزینش اساساً متوجه چنین امری نمی‌شد و النهایه این که صداقت و راست‌گویی افراد نباید در

نظام مقدس اسلامی موجب ضرر و زیان معنوی و حیثیتی و مادی افراد گردد که این امر خود باعث تشویق آحاد جامعه به عدم صداقت و بیان اظهارات خلاف واقع خواهد شد که مسلماً چنین امری برخلاف تعلیمات انسان ساز دین مبین اسلام خواهد بود. بناء علی هذا و با عنایت به مراتب فوق و نظر به این که نکات مثبت شاکیه به مراتب بیشتر از نکات متقن و ضعف‌های بیان شده وی می‌باشد، دیوان دعوی وی را وارد تشخیص و مستنداً به ماده مذکور و مواد ۷، ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکیه و نقض رأی معترض‌عنه صادر و اعلام می‌دارد و مقرر می‌نماید که پرونده وی مجدداً رسیدگی و با رعایت موازین شرعی، قانونی و قوانین و مقررات مربوطه به‌ویژه رعایت تبصره ذیل ماده ۱۴ قانون اخیرالذکر اقدام به صدور رأی شایسته گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۱۰۲۵۴۹، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۲).

۶. ... علی‌هذا نظر به این که مطابق ماده ۱۵ قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴ صدور رأی در گزینش افراد می‌بایست بر مبنای اقرار یا بینه یا شیع مفید اطمینان احراز گردد و نتایج حاصله از اظهارات منابع تحقیق و مصاحبه‌گر مشمول ماده مذکور نبوده و اطمینان‌آور نیستند، با ملاحظه تأییدی ارائه شده از سوی امام جمعه محترم زاهدان و این که همسر وی به سرپرستی گروه مقاومت بسیج عاشورا منصوب گردیده است، شکایت وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم بر نقض رأی معترض‌عنه جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۷۶۵، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۴).

۷. ... نظر بر این که نتایج حاصله از بررسی‌های مقدماتی اطمینان‌آور نبوده و بر این موضوع اعضای محترم هسته گزینش در نظریات خود مندرج در صفحات ۲۰ و ۳۲ مبنی بر این که تحقیقات لازم انجام پذیرد، تصریح کرده و در نهایت بدون انجام تحقیقات با وجود تردید مبادرت به صدور رأی نموده‌اند، مفاد ماده ۱۵ قانون گزینش مراعات نگردیده است، شکایت از این حیث وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم بر نقض رأی معترض‌عنه جهت رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۲۹۸۸، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۵).

۸. ... چون علت عمده رد صلاحیت اشتغال شاکی، اتهام انتسابی سوءاستفاده از موقعیت شغلی وی جهت اخذ وام بانکی بوده است، که این موضوع یکی از اتهامات اداری موضوع ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است و رسیدگی به این تخلف اداری در صلاحیت هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ذی‌صلاحیت می‌باشد و موضوع فوق‌الذکر در محدوده ماده ۲ قانون گزینش ... نمی‌گنجد. ... همچنین در اوراق مصاحبه بیشترین سؤالات بر موضوع تخلف انتسابی به داوطلب گزینشی متمرکز گردیده است، گویی مصاحبه‌کننده در جایگاه مستنطق و یا اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات اداری قرار گرفته است، که این خود خروج از صلاحیت قانونی متصدی مصاحبه را به نمایش می‌گذارد. بنابراین با توجه به ضرورت بازنگری در این خصوص در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون گزینش کشور مصوب ۱۳۷۴ ضمن صدور حکم به ورود شکایت، رأی معترض‌عنه را نقض و رسیدگی مجدد به همان هیئت ارجاع می‌شود (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۸۰۷/۱۳۹۱/۱۲/۲۰).

۹. ... و این‌که علت رد صلاحیت شاکی، نداشتن شرایط و ضوابط عمومی گزینش از جانب شاکی به لحاظ اعتیاد به مواد مخدر ذکر گردیده است ... علی‌رغم این‌که نتیجه انجام تست اعتیاد منفی بوده است. استناد مشتکی‌عنه صرفاً به داشتن سوء شهرت به استعمال مواد مخدر، کافی برای انتساب اعتیاد به شاکی نمی‌باشد. ... مع‌التوصیف ادعای شاکی در این خصوص مقرون به صحت تلقی و وارد است (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۸۵۹/۱۳۹۱/۱۲/۲۰).

۱۰. ... اشتها به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق (بند ۴ ماده ۲ قانون گزینش) دارای تعریف خاص خود (از حیث شرعی و قانونی) است و به هر نوع ضعف اخلاقی و یا عدم رعایت بعضی از شئون اخلاقی اطلاقی نمی‌گردد و بلکه ناظر بر مواردی است که فردی در ارتکاب گناهان و اعمال ضد اخلاقی و یا غیر شرعی و شنیع اصرار داشته و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای اعمال مذکور را تکرار نموده و تظاهر نماید و به این امر مشهور باشد، درحالی‌که در این خصوص و درمورد شاکی چنین امری متصور نبوده و محتویات پرونده بیان‌گر عدم وجود دلایل و مدارک مثبت درمورد وی می‌باشد ... شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۲۸۶/۱۳۹۲/۲/۷).

۱۱. چون مستند رأی اصداری صرفاً شنیده‌های بعضی از منابع تحقیق است که در هیچ مرجع و محکمه‌ای به اثبات نرسیده و شاکی نیز منکر آن بوده و از طریق این شنیده‌ها با تحقیقات قبلی گزینش درمورد وی و اظهارات سایر منابع تحقیق در تعارض است، لذا دیوان شکایت وی را وارد تشخیص می‌دهد (شماره رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۷).

۱۲. به نظر می‌رسد جمع‌آوری دلایل دیگر و یا حتی تحقیق و سؤال از دیگران در خصوص مسائل اعتقادی که شخص اقرار به آن دارد، خارج از حیطه وظایف مأمورین تحقیق گزینش [می] باشد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۵۱۰، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲۵).

۱۳. ثانیاً - انتساب فقدان شرایط عمومی موضوع ماده ۲ قانون گزینش می‌بایست با رعایت ماده ۱۵ همان قانون بر مبنای ادله شرعی و قانونی به شرط عدم تعارض و با وصف مفید اطمینان بودن صورت پذیرد که در این پرونده اقناع وجدانی در این خصوص حاصل نیست و چون هیئت مرکزی گزینش مؤید (تأییدکننده و ابرام‌کننده) نظریه‌های هسته گزینش منطقه یک تأمین اجتماعی تهران بوده و در نظریه‌های مذکور به فقدان شرط موضوع بند ۴ ماده ۲ قانون گزینش اشاره شده که این انتساب زیننده کسانی که با نام اسلام ناب محمدی (ص) و قانون‌گرایی، تجاهر به فسق را منتسب به دیگران می‌کنند نیست و ضرورت اعتدال در این خصوص با رعایت فرمان مورخه ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) کاملاً مشهود و ملموس است و نمی‌توان آبروی افراد را دست‌مایه‌ای قرار داد که به‌زعم خود ناشی از ضوابط قانونی است و می‌بایست در امر گزینش، معیار، قانون گزینش و آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل‌های مربوط باشد و محوریت اقدام در این زمینه نیز احکام شرع مقدس اسلام قرار گیرد. بنابراین اقدام هیئت مرکزی گزینش در این خصوص قابل نقض تشخیص می‌شود (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۲۲۰۰۴۸۳، تاریخ رأی نهایی ۱۳۹۲/۳/۱۱).

۱۴. با توجه به این‌که به‌موجب اصل سی‌وهفتم قانون اساسی اصل بر براءت است، نمی‌توان با استناد به مواردی که شاکی به‌موجب قرار منع تعقیب از آن تبرئه گردیده،

صلاحیت اخلاقی شاکی را مورد تردید قرار داد و با توجه به قرار صادره موصوف، هیچ‌گونه دلیل متقنی مبنی بر این که شاکی فاقد وصف مندرج در بند ۴ ماده ۲ قانون گزینش کشور می‌باشد، وجود ندارد.

۱۵. ... در رد صلاحیت ... استخدام، بایستی دقیقاً مشخص شود که داوطلب فاقد شرایط عمومی یا انتخاب اصلح است. ... بنابراین چون رد صلاحیت شاکی وفق پرونده گزینشی اقناع‌آور نیست، ... ضمن صدور حکم به ورود شکایت، رأی معترض‌عنه را نقض و رسیدگی مجدد به موضوع به همان هیئت ارجاع می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۰۷۴۱/۰۴/۱۳۹۲).

۱۶. ... در صورت اعتیاد پدر و حتی سوء شهرت بستگان داوطلب به درگیری، این موضوعات هیچ ارتباطی به صلاحیت شاکی ندارد و گزینش چه در آرای صادره و چه در لایحه دفاعیه، هیچ‌گونه مدرک و دلیلی که شاکی شخصاً صلاحیت استخدام را نداشته باشد، ارائه نکرده‌اند. بنابراین حکم به نقض رأی کمیسیون تجدیدنظر گزینش و رسیدگی مجدد در همان کمیسیون صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۵۰۰۴۱۲/۲/۱۳۹۲).

۱۷. ... نظر به این که عمده دلیل رد صلاحیت عمومی شاکی، استناد به محتویات یک حلقه سی. دی. می‌باشد که توسط همسر شاکی در منزل ضبط و ارائه شده است، که صرف‌نظر از محتویات آن، نظر به این که تهیه و ضبط صدا و فیلم شاکی در منزل با توجه به وجود اختلاف خانوادگی ناشی از غرض‌ورزی می‌تواند باشد و به دلیل وجود احتمال توطئه استناد به محتویات سی. دی. تهیه شده، حجیت قانونی جهت ایجاد اتقان قضایی ندارد و از طرفی دلیل مؤثر دیگری در رد صلاحیت عمومی شاکی ارائه نشده؛ بنابراین با توجه به مراتب فوق، حکم به ورود شکایت دائر بر نقض تصمیم هیئت مرکزی گزینش دانشجو در خصوص شاکی صادر و اعلام می‌گردد و رسیدگی مجدد به هیئت مرکزی گزینش واگذار می‌شود (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۰۶۸۸/۴/۲۹/۱۳۹۲).

۱۸. حدود صلاحیت و اختیارات هسته‌های گزینش در حد تأیید صلاحیت داوطلبان ورود به خدمت در وزات‌خانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌باشد و

اعلام نظر درباره انتقال یا عدم انتقال کارمندی که در حال اشتغال است، به وزارت خانه یا سازمان دولتی دیگر با وظایف و مسئولیت‌های قانونی مرجع مذکور مطابقتی ندارد، علی‌هذا حکم به ورود شکایت شاکیه و نقض رأی معترض‌عنه را صادر و اعلام می‌دارد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۵۲۹، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۳۰).

۱۹. به موجب مندرجات پرونده و مفاد شکایت مطروحه، شاکیه نسبت به رأی شماره ... مورخ ... اعتراض نموده و اعلام داشته که فرائض دینی و مذهبی خود را انجام می‌دهد و متکفل پدر و مادر از کارافتاده خود نیز می‌باشد و هیئت مشتکی‌عنه در مقام پاسخ شکایت مطروحه اعلام نموده که به موجب تحقیقات انجام شده نام‌برده از خانواده مذهبی بوده و مشکل خاصی ندارد و فقط در تحقیقات بدوی با رضایت اعلام کرده که در انجام فریضه نماز کاهل بوده و واجد شرایط عمومی تشخیص داده نشده و با توجه به مراتب فوق و نظر به این که نام‌برده در مصاحبه بعدی اعلام نموده که اشکال فوق را برطرف نموده و به فرائض مذهبی خود عمل می‌نماید و اصل نیز بر صحت و براءت است، از طرفی فریضه نماز از جمله مسائل مربوط به حق‌الله می‌باشد و این که شاکیه در مرحله بدوی مرتکب گناه کبیره دروغ نشده و می‌توانسته به دروغ متوسل شود و این صداقت وی نیز شایسته تحسین است، به خصوص که از خانواده مذهبی است و اکنون اقرار به انجام فرائض مذهبی دارد و کسانی که در دایره اخلاقی و رفتار وی از آنان تحقیق شده مجموعاً وی را جوانی متدین و سالم معرفی کرده‌اند، علی‌هذا بنا به علل و جهات مصرحه فوق، حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه و رسیدگی مجدد با رعایت موارد مصرحه در دادنامه صادره را صادر و اعلام می‌دارد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۴۹۳، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲۴).

۲۰. ... با عنایت به محتویات پرونده شکایت تقدیمی لایحه دفاعیه اداره طرف شکایت و ملاحظه و بررسی پرونده انضباطی مشارالیه که حاکی از این است که تحقیقات انجام شده نه تنها به طور دقیق و کامل نمی‌باشد، بلکه با هم مطابقت نداشته و بعضاً معارض یکدیگر می‌باشند فلذا تحقیقات مذکور موجب حصول اطمینان و اقتناع وجدان نیست و بند ۲ و یا ۴ ماده ۲ قانون گزینش که مورد استناد در صدور رأی بدوی و تجدیدنظر می‌باشد، باید براساس قرائن و امارات اطمینان‌آوری که به طور قاطع موجد

یقین و اقتناع وجدانی می‌گردند احراز شود که در ما نحن فیہ چنین امری مشهود نیست. بنابراین به لحاظ نقائص فوق‌الذکر ... نقض و جهت بررسی مجدد و تحقیقات بیشتر ... به هیئت جایگزین ارجاع می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۲۷۵/۱).

۲۱. نظر به این که عمده دلیل عدم احراز صلاحیت تجدیدنظر خواه جهت استخدام، پاسخ مثبت تست اعتیاد به عمل آمده از مشارالیه می‌باشد و چون نام‌برده مدعی عدم اعتیاد است و نتیجه تست اعتیاد به عمل آمده که در یک مرتبه صورت گرفته است، به لحاظ امکان وقوع اشتباه یا تداخل دارو موجب اتقان و اقتناع نمی‌گردد، لذا ضمن پذیرش تجدیدنظرخواهی با استناد به ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رأی معترض‌عنه نقض و حکم به ورود شکایت دایر بر نقض رأی هیئت مرکزی گزینش و رسیدگی مجدد در همان هیئت با انجام تست اعتیاد مجدد صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است. مستشاران شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری (شماره رأی نهایی ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۰۳۱، تاریخ رأی نهایی ۱۳۹۳/۱/۲۰).

۲۲. ... نظر به این که منابعی که در مورد شاکای از آنان تحقیق به عمل آمده فی‌الجمله مطالبی که مبین ارتکاب محرمات و ترک واجبات شرعی یا رفتار خلاف شئون اجتماعی در حدی که موجب محرومیت وی از حقوق اجتماعی از قبیل حق اشتغال و استخدام گردد نمی‌باشد، بلکه در موارد زیادی منابع ایشان را مورد تأیید قرار گرفته‌اند از طرفی رفتار قابل انتقاد اطرافیان شاکای هم که بعضاً مطرح شده اولاً در حدی که سبب ایراد به صلاحیت شاکای گردد نمی‌باشد. ثانیاً شرعی و قانونی و منطقی نیست که رفتار اطرافیان مدرک تعیین صلاحیت شاکای گردد. با این اوصاف و با عنایت به این که محروم‌نمودن افراد از حقوق اجتماعی دلیل قانع‌کننده قانونی می‌خواهد که در خصوص شاکای این امر احراز نمی‌گردد و بررسی‌های معموله در حدی که عدم صلاحیت شاکای را اثبات نماید نیست، لذا حکم به نقض نظریه و رأی هیئت مرکزی گزینش و رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۱۲۸/۳).

۲۳. ... حتی در فرض صحت آن چه علیه شاکای بیان گردیده، آن موارد در حدی که مبین رفتار عادی و معاند شاکای در ترک واجبات و ارتکاب محرمات شرعی و قانونی در حدی که موجب محرومیت ایشان از حقوق اجتماعی از جمله حق اشتغال گردد،

نمی‌باشد. بنابراین در مجموع نظریه و رأی هیئت مرکزی گزینش در رد صلاحیت شاکیه از حیث کمال و کفایت رسیدگی و مبانی شرعی و قانونی مخدوش به نظر می‌رسد؛ لذا رأی به نقض آن و رسیدگی مجدد صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۸۵۰، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۱/۹/۱۹).

۲۴. ... از طرفی عمده استدلال هیئت محترم، کثرت داوطلب و محدودیت ظرفیت استخدامی می‌باشد که به نظر می‌رسد ارتباطی با وظایف هیئت محترم از نظر بررسی اخلاقی و عقیدتی و سیاسی داوطلب ندارد و بنابراین اعطای یک فرصت دیگر به شاکیه از نظر گزینش نیز بلاشکال خواهد بود.

۲۵. ... بدیهی است مسأله گزینش از نظر عقیدتی و سیاسی موضوع جداگانه‌ای از استخدام می‌باشد و اظهارات صادقانه شاکیه در گزینش نیز نباید دلیلی بر عدم پذیرش وی باشد ... علی‌هذا حکم به ورود شکایت شاکیه و نقض رأی معترض‌عنه و طرح مجدد پرونده در هیئت هم‌عرض صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۲۵۴، تاریخ رأی نهایی: ۱۳۹۲/۲/۲).

۲۶. به‌موجب محتویات و مندرجات پرونده، ... ملاحظه می‌گردد که اولاً، اکثر افرادی که درباره نام‌برده از آنان تحقیق شده همسایگانی می‌باشند که با شاکیه اختلاف داشته و شهادت آنان بی‌شائبه به نظر نمی‌رسد. ثانیاً، اظهارات بعضی از مطلعین نیز نمی‌تواند مقرون به صحت بوده باشد. مثلاً کسی که شهادت داده، از کجا می‌داند که شخصی در داخل منزل خود از مقامات عالی‌ه بدگویی می‌نماید. ثالثاً، اختلاف زن و شوهر امری طبیعی است، علی‌هذا اختلاف شاکیه با شوهرش و رفتن به کلانتری ارتباطی به کار اداری وی ندارد. ... علی‌هذا با توجه به مراتب فوق و رعایت حقوق مکتسبه و ایجاد امنیت کاری برای طرفین قضیه به نظر می‌رسد که رأی صادره معترض‌عنه با رعایت جوانب امر صورت نگرفته، علی‌هذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه و لزوم رسیدگی مجدد به موضوع، با رعایت مفاد این دادنامه و کلیه مقررات مربوطه صادر و اعلام می‌گردد (شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۹۰۰۴۸۸).

رعایت حقوق شهروندی از سوی حکومت به مثابه تکریم شهروندان است که اعتماد آن‌ها به حکومت را افزایش داده و امنیت درونی حکومت را ارتقا می‌بخشد. این امر سبب می‌شود که رفتار حکومت با شهروندانش براساس قانون، بدون تبعیض و شفاف صورت پذیرد و هرگونه اعتراض نیز از مجاری قانونی از پیش مشخص شده پی‌گیری شود. رعایت حقوق شهروندی منوط به اعتقاد به حکومت براساس قانون، وجود قوانین شفاف و بدون ابهام، وجود نیروی انسانی متخصص، امین و کارآمد، مراجع پاسخ‌گو در قبال سوء اجرای قوانین و تعقیب بدون تبعیض و عادلانه متخلفان است.

ISBN-978-600-8215-29-5



9 786008 215295